

تحقیقات حقوقی آزاد، سال ششم، شماره بیست و یکم، پاییز ۱۳۹۲ از صفحه ۱۴۹ تا ۱۹۷

حقوق بشر انسان‌های دوگانه در جمهوری اسلامی ایران

دکتر مهدی عباسی سرمدی * سید رضا هاشمی **

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۰۶/۰۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۰۵/۰۱

چکیده:

انسان‌های دوگانه‌ی اترنس سکشوال‌ها، گروهی خاص از افراد بشری هستند که دارای اختلال در هویت جنسیتی هستند. به عبارتی دیگر جسم این افراد به زندانی برای روان آن‌ها تبدیل گردیده و انسان‌های دوگانه همواره در تلاش برای انجام عمل تغییر جنسیت هستند تا جسم و روان خود را بایکدیگر منطبق نموده و به آرامش برسند. ممکن است این افراد حتی فاقد هرگونه اختلالی در جنس باشند. در اسلام دیدگاه‌های مختلفی پیرامون عمل تغییر جنسیت وجود دارد. اما در ایران و در اواسط دهه ۶۰ خورشیدی بر اساس فتوای آیت الله روح الله موسوی خمینی، تغییر جنسیت این افراد مجاز شمرده شده و هم اکنون در ایران و مراکز مربوطه و پس انجام مراحل شناسایی و یا مراجعه، روان درمانی، روانپزشکی و آماده سازی، عمل تغییر جنسیت انجام می‌شود. جمهوری اسلامی ایران حتی برای تحقق این امر تسهیلات قابل قبولی را به افراد واجد شرایط ارائه می‌دهد. کشورهای مختلف جهان رفتارهای متعددی نسبت به این پدیده از خود بروز می‌دهند. برخی قوانین مشخص و مدونی داشته و برخی دیگر براساس عرف باین مقوله برخورد می‌نمایند. در جمهوری اسلامی ایران هیچ گونه قانون مشخص و مدونی برای این افراد وجود ندارد، اما منابع فقه امامیه کاملاً این افراد را با نام خنثای روانی مورد شناسایی قرار داده است. موضوع حقوق بشری این گروه در سطح بین المللی نیز به جز اقدامات پراکنده برخی دولت‌ها و حقوق دانان مستقل حقوق بشری در دو دهه گذشته، تا کنون مورد توجه جدی دولت‌ها و سازمان‌های بین المللی نبوده است.

واژگان کلیدی: حقوق بشر، انسان‌های دوگانه، ایران، تغییر جنسیت، اسلام

* استادیار، دانشکده حقوق دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی.

** دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق بین الملل.

مقدمه:

امروزه پیشرفت‌های زیادی در ارتباط با شناسایی حقوق انسانی تمامی افراد با جنسیت‌ها و هویت‌های مختلف و متفاوت با آن چه به طور سنتی با تفکیک جنسیت میان زن و مرد شناخته و دانسته می‌شد، حاصل گردیده است. کشورهای در چارچوب قوانین اساسی و عادی خود حق افراد دارای اختلال جنسیتی یا به طور کل کسانی که به هر نحو از قالب‌های تعریف شده زن یا مرد خارج شده‌اند را به رسمیت شناخته و بر برابری و منع تبعیض بدون تفکیک بر مبنای جنسیت و هویت جنسی تاکید نموده‌اند.^۱ اما با این حال اسناد بین‌المللی حمایتی موجود در خصوص انسان‌های دوگانه در مقایسه تطبیقی با اسناد بین‌المللی برخی از گروه‌های بشری نظیر زنان، کودکان و ... دوران ابتدایی و جنینی خود را گذرانده و جامعه بین‌المللی تاکنون نتوانسته است چارچوبی مشخص نظیر یک کنوانسیون مخصوص برای حمایت از حقوق انسان‌های دوگانه تدوین نماید.

سازمان ملل متحد از سال تاسیس - یعنی ۱۹۴۵ تا ۲۰۰۷ اقدامی رسمی در راستای توجه به هویت جنسی و گرایش جنسی افراد نداشته است. اما در تاریخ ۶-۹ نوامبر سال ۲۰۰۶، گروهی از کارشناسان بین‌المللی حقوق بشر به همراهی کمیسیون بین‌المللی حقوق دانان و سرویس بین‌المللی حقوق بشر و مجموعه‌ای از سازمان‌های بین‌المللی حقوق بشر در پاسخ به خشونت‌ها و سوء استفاده‌های گسترده از حقوق بشر در نشستی در ایالت مستقل "یوگیا کارتا" در کشور اندونزی به طرح مجموعه‌ای از اصول و قواعد بین‌المللی مرتبط به هویت و گرایش جنسی و سامان دهی پروژه‌ای جهت تدوین مجموعه‌ای از اصول قانونی بین‌المللی در راستای کاربرد موازن حقوق بین‌الملل بر موارد نقض حقوق بشر بر مبنای هویت و گرایش جنسی و تنظیم و تسبیق

^۱ Finnis, john, "Law, Morality, and "Sexual Orientation", Lanham-New York- London, Roman and Littlefield ۱۹۹۷, pp. ۳۱-۴۳, available at: <http://www.princeton.edu/~anscombe/articles/finnisorientation.pdf>

حقوق بشر انسان‌های دوگانه در جمهوری اسلامی ایران.....۳

تعهدات و تکالیف دولت‌ها در راستای ارایه‌ی خدمات حمایتی و مواردی از این قبیل پرداختند. حاصل این نشست " اصول یوگیاکارتا " ^۱ بود. ایفای نقش اولیه این اصول تدوین شده به تاریخ ۲۶ مارس ۲۰۰۷ در ژنو به عنوان یک منشور جهانی برای حقوق اقلیت‌های جنسیتی در شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد به عنوان یک راهنمای جهانی برای حقوق بشر که بر استانداردهای لازم حقوقی تاکید می‌کند و تمامی کشورها باید با آن منطبق شوند، آغاز شد. این استانداردها وعده آینده‌ای متفاوت را می‌دهند. که در آن تمام مردم دنیا آزاد و برابر در حقوق و کرامت انسانی به دنیا می‌آیند و می‌توانند حقوق برابر و ارزشمند انسان‌ها را تحقق ببخشند. اصول یوگیاکارتا توسط یک گروه متشکل از کارشناسان حقوق بشر از کشورها و مناطق مختلف جهان و با پیش زمینه‌ها و عقاید مختلف به اتفاق آراء به تصویب رسید. این سند طرحی برای اسناد بین‌المللی تهیه کرده است که هر اصل آن می‌تواند به عنوان راهنمای با ارزش برای پایه‌ریزی یک چهارچوب قانونی عمل کند.

در بهار ۲۰۰۳ نیز کشور برزیل پیش‌نویس قطعنامه‌ای را با عنوان " هویت جنسی و حقوق بشر " ^۲ به کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد ارایه نمود ^۳ و قطعنامه‌ای که پیامد آن در سال ۲۰۰۵ به تصویب رسید بر ضرورت حمایت سرمایه‌های حقوق بشر معاصر از هویت جنسی اقلیت‌های دگر جنس گرایا هم جنس گرا تاکید نمود.

پس از اعلامیه اصول یوگیاکارتا، آفریقای جنوبی در تاریخ ۱۷ ژوئن سال ۲۰۱۱ درخواستی را به شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد جهت تدوین پیش‌نویس گزارشی از وضعیت افراد دارای اختلال جنسیت، دگرباش‌های جنسی و هم جنس گراها در سراسر جهان در خصوص میزان و کیفیت اجرای " اعلامیه و برنامه عمل

^۱ http://www.rfsl.se/public/yogyakarta_principles.pdf, (۲۰/۰۴/۱۳)

^۲ Sexual Orientation and Human Rights,
<http://www.iglhrc.org/binary-data/ATTACHMENT/file/۰۰۰/۰۰۰/۲۱۳-۱.pdf>
(۲۰/۰۴/۱۳)

^۳ See Johann Hari, At Last the UN Recognises the Need for Gay Rights, The Independent ۱۷, (Apr ۲۲, ۲۰۱۳)

حقوق بشر انسان‌های دوگانه در جمهوری اسلامی ایران..... ۴

وین^۱ تحویل داده است. این قطعنامه با حمایت برزیل و سی و نه کشور دیگر از سراسر جهان ارایه شد و با ۲۳ رای موافق، ۱۹ رای مخالف و ۳ رای ممتنع تصویب شد. کشورهای رای دهنده همگی از اعضای شورای حقوق بشر سازمان ملل بوده‌اند.^۲ آن چه که نگارنده را بر آن داشت تا در این زمینه پژوهشی را پیرامون وضعیت حقوق بشری این گروه به عمل آورد، همایش ملی و میان رشته‌ایانسان‌های دوگانه بود که در آذرماه ۱۳۹۰ خورشیدی توسط دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی برگزار گردید. از دلایل دیگر این امر، سوالی بود که در حاشیه اجلاس شصت و ششم مجمع عمومی سازمان ملل و در دانشگاه کلمبیا از رییس جمهور وقت جمهوری اسلامی ایران پرسیده شد و هم چنین اتهاماتی بود که در گزارش گزارشگر ویژه حقوق بشر سازمان ملل متحد در ایران و در سال ۲۰۱۳ مطرح گردیده و هم اکنون نیز در جریان است. سوال اصلی که در این تحقیق مطرح بوده و به دنبال پاسخگویی به آن هستیم آن است که عملکرد جمهوری اسلامی ایران در مقوله حقوق بشر انسان‌های دوگانه تا کنون در مقایسه با برخی کشورها در دو عرصه داخلی و بین المللی چگونه بوده است؟ به نظر می‌رسد انسان‌های دوگانه به طور کلی در جهان، به دلیل فقدان اطلاعات کافی پیرامون آن‌ها و وجود نگرشی عوام گونه در برخورد باین گروه، به طور مشترک و بدون استثنا با چالش‌های جدی حقوق بشری مواجه هستند. جمهوری اسلامی ایران نیز هر چند قوانین مشخص و مدونی را تا کنون در حقوق داخلی پیرامون حقوق و تکالیف انسان‌های دوگانه به تصویب نرسانده است، اما از اواسط دهه شصت تا کنون و

^۱ Vienna Declaration and Programme of Action, World Conference of Human Rights, Vienna ۱۴-۲۵ June ۱۹۹۳, Available Online at: [http://www.unhcr.ch/huridocda/huridoca.nsf\(symbol\)/a.conf.۱۵۷.۲۳.en,\(Apr ۲۲, ۲۰۱۳\)](http://www.unhcr.ch/huridocda/huridoca.nsf(symbol)/a.conf.۱۵۷.۲۳.en,(Apr ۲۲, ۲۰۱۳))

^۲ Human Rights Council Resolution, ۱۷ Session, <http://www.unhcr.org/english/bodies/hrcouncil/17session/resolutions.htm,a> available at: <http://daccess-dds-ny.un.org/doc/UNDOC/LTD/G11/141/94/PDF/G1114194.pdf?OpenElement>, (Apr ۲۲, ۲۰۱۳)

حقوق بشر انسان‌های دوگانه در جمهوری اسلامی ایران..... ۵

مبتنی بر فقه امامیه و استفتائات علما اقدامات موثری را در عمل و در جهت احقاق حقوق این گروه به عمل آورده است. در سطح بین المللی نیز به نظرمی‌رسد دولت‌ها و سازمان‌های بین المللی حقوق بشری تاکنون اقدامات جدی که منجر به تدوین و تصویب کنوانسیون‌های مخصوص این گروه گردد، به عمل نیاورده‌اند.

در این مقاله ابتدا ویژگی‌های مشترک و بارز انسان‌های دوگانه که آن‌ها از سایر گروه‌ها متمایز می‌سازد، تبیین می‌گردد. سپس به مشکلات مشترک این افراد در کل جهان در ابعاد متعدد فردی و درونی، خانوادگی و اجتماعی پرداخته خواهد شد. از آن جا که این گروه به شدت در پی تغییر جنسیت هستند، نظریات مختلف اسلامی پیرامون عمل تغییر جنسیت را بر خواهیم شمرد. در پایان و در چارچوب یک مطالعه تطبیقی و به طور اجمالی نحوه برخورد سه کشور مهم جهان یعنی آمریکا، آلمان و انگلستان با این پدیده را بازگو نموده و این رفتارها را با عملکرد جمهوری اسلامی ایران به مقایسه خواهیم گذاشت.

گفتار اول: انسان‌های دوگانه (Transsexuals)

لغات انگلیسی هم چون ترنس سکشوال، هموسکشوال^۱، برای سکشوال^۲، اینترسکشوال^۳، هرمافرودیت^۴، ترنس وستیت^۵ و عبارات فارسی هم چون هم جنس گرایان، دگر جنس گرایان، هم جنس بازان، دوجنسی‌ها، انسان‌های دوگانه و دگرباشان، بخش‌هایی از واژگانی هستند که پیرامون انسان‌هایی به کار گرفته می‌شوند که اساساً دارای فقط گرایش و یا این که به صورت همزمان هم دارای گرایش وهم

^۱. Homosexual

^۲. Bisexual

^۳. Intersexual

^۴. Hermaphrodite

^۵. Transvestite

حقوق بشر انسان‌های دوگانه در جمهوری اسلامی ایران..... ۶

اختلالات جنسی و هویت جنسیتی هستند. اما این واژگان هر کدام دارای بار معنایی متفاوتی هستند.

به طور کلی تا کنون پیرامون این موضوع و موارد نزدیک به آن، عناوین و واژه‌های متعددی مورد استفاده قرار گرفته است. اکثریت مردم ویا حتی می‌توان گفت بخش‌هایی از روشنفکران جهان تفاوت میان این واژه‌ها را مورد شناسایی قرار نداده و باین واژه‌ها به صورت عوام گونه‌ای رفتار می‌نمایند. فلذا در به کار گیری آن‌ها نوعی بی تعهدی، گسیختگی ویا عدم اجماع فکری دیده می‌شود.

برای روشن ساختن تعریف ترنس سکشوال (گرایش به تغییر جنسیت) یا دوگانگی انسانیت، ابتدا باید میان این واژه و تعابیر دیگری مانند هوموسکشوال (هم جنس گرایی)، ترنس وستیت (مبدل پوشی) وایتروسکشوال (دوجنسیتی) تفاوت قایل شد.

هم جنس گرایی زمانی رخ می‌دهد که فرد نسبت به هم جنس خود میل جنسی داشته باشد. از سوی دیگر مبدل پوشی به تمایل شدید برای پوشیدن لباس جنس مخالف و ارضای جنسی از این طریق اطلاق می‌شود. شاید در مباحث حقوقی تمایز میان تمایل به تغییر جنسیت، هم جنس گرایی و مبدل پوشی دشوار نباشد اما تفکیک ترنس سکشوالیته یا دوگانگی انسانیت از سایر حالات روحی و روانی مشابه مشکل است. افراد ترنس سکشوال میل شدیدی به تغییر جنسیت و زندگی مانند فردی از جنس مخالف خود دارند، اما اینتر سکشوال یا دوجنسیتی‌ها تمایلی به تغییر هویت جنسی خود ندارند. بسیاری از دوجنسیتی‌ها ترجیح می‌دهند که وضعیت جنسیتی آن‌ها به شکل هم زن و هم مرد حفظ شود ویا هماهنگ با تقسیم بندی دوتایی جنسیت (زن و مرد) باقی بمانند^۱.

گذشته از ناآگاهانه بودن یا عالمانه بودن رفتار جهانیان با کلیه اقلیت‌های جنسیتی، باید گفت که در حال حاضر عموماً انسان‌ها در مواجهه با چنین افرادی ۲ نوع برداشت کلی دارند. عده‌ای همگی آن‌ها را منحرف تلقی نموده و آن‌ها را طرد می‌نمایند و در

^۱. Minnesota State Anti-Discrimination Statute, (۱۱/۰۵/۱۳)

حقوق بشر انسان‌های دوگانه در جمهوری اسلامی ایران.....۷

مقابل عده‌ای دیگر به دنبال تطهیر تمامی گروه‌های ذکر شده حتی هم جنس بازان هستند.

این نوشتار در پی آن نیست که تمامی این واژگان و عبارات را تعریف و تبیین نماید. بلکه هدف آن شناسایی یک گروه بشری است که روح آن‌ها دارای ویژگی‌هایی است که در قالب جسمی که با آن تناسب ندارد اسیر شده است. این روح اسیر شده در جسم نا همگون در پی آن است تا با تغییراتی که در جسم ایجاد می‌نماید قالبی مناسب برای روح خود تعبیه کند. نکته بسیار مهم آن است که این گروه انسانی هیچ گونه نقشی در ایجاد این شرایط نداشته و در امتداد تاریخ نه تنها مورد ظلم‌های فاحشی قرار گرفته‌اند، بلکه مورد توجه نیز نبوده‌اند. هرچند از اواسط قرن بیستم تا کنون به صورت پراکنده اقداماتی در جهت تحقق حقوق این گروه صورت پذیرفته است. اما در اغلب کشورها چارچوب حقوقی مدون و شناخته شده‌ای در قالب نظام‌های حقوقی و حتی حقوق بین الملل ایجاد نشده است.

ترانس کشوال یا انسان دوگانه یا انسانی که تمایل به تغییر جنسیت دارد، به وضعیت افرادی اطلاق می‌شود که نسبت به هویت جنس خود دچار اختلال می‌شوند، یعنی روح و روان فرد با ظاهر جسمی‌اش در تعارض است. مثلاً فرد از لحاظ جسمی یک پسر است، اما از لحاظ روحی، روانی، تمایلات و تفکرات، یک دختر محسوب شود. میان جسم و روان این بیماران، تناقضی حدوداً صد درصدی وجود دارد. ویژگی بیان شده در درون این افراد از جزمیت و مطلقیت برخوردار نبوده و حس موجود در درون آن‌ها طیف وسیعی را تشکیل می‌دهد. به عبارتی دیگر این احساس اسارت روح در جسم میان افراد، دارای شدت و حدت مختلف است که برای بیان بهتر به تقسیم بندی طیف گونه‌این افراد که توسط آقای هری بنجامین^۱ بیان شده است پرداخته و در نهایت به این موضوع خواهیم پرداخت که اساساً ترانس سکشوال یا انسان دوگانه واقعی چه کسی است؟ البته علاوه بر

^۱ Benjamin Harry, Wikipedia

حقوق بشر انسان‌های دوگانه در جمهوری اسلامی ایران.....^۸

مقیاس هری بنجامین، مقیاس‌های دیگری هم چون مقیاس کینسی^۱ (Kinsey) نیز وجود دارند که صرفاً به اشاره آن بسنده می‌گردد.

مقیاس‌های هویت جنسی هری بنجامین^۲ برای دسته بندی و فهمیدن انواع ترانس وستیت‌ها و ترانس سکشوال‌ها است. در این تقسیم بندی ۳ حالت برای ترانس وستیت‌ها و ۳ حالت برای ترانس سکشوال بیان شده است. این دو گروه در نگاه غیر حرفه‌ای و غیر علمی رفتارهای بسیار نزدیک و شبیه به هم دارند. با توجه به این که در این گروه بشری تعداد مردهایی که تمایلات زنانه دارند در مقایسه با زنهایی که تمایلات مردانه دارند بیشتر است، در این مقیاس بیشتر از مردان متمایل به جنس زن نام برده شده است.

حالت اول: ترنس وستیت (غیر واقعی)

جنسیت ذهنی فرد مردانه است. در پوشش ظاهری و زندگی اجتماعی خود مردانه عمل می‌کند و گاهی اوقات هم از پوشش جنس مخالف استفاده می‌کند. این افراد در رفتار جنسی خود متمایل به هم جنس و جنس مخالف بوده و تغییر پوشش را تنها برای فانتزی کردن ذهن خود می‌خواهند. مایل به انجام عمل جراحی تغییر جنسیت نیستند و احتیاجی به آن هم نمی‌بینند. مایل به استفاده از هورمون نیستند و احتیاجی به آن هم احساس نمی‌کنند. به روان درمانی نیز تمایلی نشان نمی‌دهند.

حالت دوم: ترنس وستیت (علاقه مند)

جنسیت ذهنی فرد مردانه است. در پوشش ظاهری و زندگی اجتماعی خود مردانه عمل می‌کند و تغییر پوشش را به صورت دوره‌ای و در بعضی مواقع انجام می‌دهد. زیر پوشش مردانه از پوشش زنانه استفاده می‌کند. رفتار جنسی متمایل به جنس

^۲ <http://www.kinseyinstitute.org>

^۱ Benjamin, H. (۱۹۶۶). The transsexual phenomenon. New York: Julian Press, page ۲۳.

<http://www.genderpsychology.org>

حقوق بشر انسان‌های دوگانه در جمهوری اسلامی ایران..... ۹

مخالف و برخی اوقات به صورت خفیف متمایل به هم جنس دارند. احساس گناه می‌کنند و گاهی اوقات از این کار دست می‌کشند. مایل به آن جام جراحی تغییر جنسیت نیستند. به صورت خفیف مایل به استفاده از هورمون هستند. مایل به انجام روان درمانی هستند و همکاری هم می‌کنند. گاهی اوقات از رفتار زنانه و گاهی مردانه تقلید می‌کنند. ممکن است برای خود اسم هم تعیین کنند.

حالت سوم: ترنس وستیت (واقعی)

جنسیت ذهنی فرد مردانه است (اعتقادی سست‌تر از حالت اول و دوم). همیشه از پوشش زنانه استفاده می‌کنند و هر زمان فرصت را مناسب ببینند این کار را انجام می‌دهند. و اگر فرصت نیابند زیر پوشش مردانه پوشش زنانه استفاده می‌کنند. تا حد امکان به صورت زن زندگی می‌کنند. در رفتار جنسی متمایل به جنس مخالف هستند. به استثنای زمانی که پوشش خود را عوض می‌کند. جراحی تغییر جنسیت را رد می‌کنند و مایل نیستند، ولی از فکر کردن به آن لذت می‌برند. به عنوان تجربه و امتحان علاقه مند استفاده از هورمون هستند. معمولاً در روان درمانی‌ها همکاری می‌کنند. به ترنس سکشوال بودن علاقه دارند.

حالت چهارم: ترنس سکشوال (بدون جراحی)

جنسیت ذهنی فرد قاطع نیست. در حالی میان ترنس وستیت بودن و ترانس سکشوال بودن مردد هستند. هرگاه فرصت یابند به پوشش جنس مخالف درمی‌آیند تا مقداری از نارضایتی خود کم کنند. گاهی یک مرد و گاهی یک زن هستند. حس جنسی کمی دارند. حتی ممکن است دچار بی میلی جنسی شوند. تا حدودی از این امر نارضایتی دارند. در برخی اوقات هم ممکن است ازدواج کرده و حتی بچه دار هم شوند. به جراحی تغییر جنسیت علاقه دارند ولی هیچ‌گاه تقاضای انجام عمل نمی‌کنند. به استفاده از هورمون احساس نیاز می‌کنند تا رفتار و احساسات خود را به حالت نرمال بازگردانند. تنها برای راهنمایی مایل به روان درمانی هستند و گرنه یا آن را نمی‌پذیرند

و یا این که روان درمانی بر روی آن‌ها تاثیری نخواهد داشت.

حالت پنجم: ترنس سکشوال واقعی (با شدت متوسط)

جنسیت ذهنی فرد کاملاً قاطع است. یا جسم آن‌ها مردانه و روحی زنانه دارند. یا این که به ندرت جسم آن‌ها زنانه و روحی مردانه دارند. در پوشش ظاهری و زندگی اجتماعی خود تا حد امکان در قامت جنس مخالف فیزیکی خود ظاهر می‌شوند. پوشش مخالف تا حدودی نارضایتی آن‌ها را کم می‌کند. آن‌ها نارضایتی جنسی هم دارند. حس جنسی کمی دارند و غالباً به هم جنس گرایی کشش دارد. (هم جنس فیزیکی یعنی اگر فیزیک مرد داشته باشد چون روح زنانه دارد به مرد گرایش دارد). برای انجام عمل جراحی تغییر جنسیت درخواست می‌کنند و آن را اعلام می‌کنند. برای تغییر ظاهر و مقدمه جراحی تغییر جنسیت به استفاده از هورمون تمایل و احتیاج دارند. روان درمانی وارد می‌کنند. این عمل بر روی آن‌ها هیچ تاثیری ندارد و تنها به مشاوره برای راهنمایی گوش می‌دهند. در آرزوی جراحی تغییر جنسیت هستند و برای آن تلاش می‌کنند.

حالت ششم: ترانس سکشوال واقعی (با شدت بالا)

جنسیت ذهنی فرد قاطع و مصمم است. یا جسم آن‌ها مردانه و روحی زنانه دارند. یا این که به ندرت جسم آن‌ها زنانه و روحی مردانه دارند. در پوشش ظاهری و زندگی اجتماعی خود در قامت جنس مخالف فیزیکی خود ظاهر می‌شوند. تا حد امکان به صورت یک زن و با مسئولیت‌های اجتماعی یک زن زندگی می‌کنند. پوشش زنانه تا حدودی نارضایتی وی را کم می‌کند و نارضایتی جنسی دارد. تمایلات آن شدیدتر از حالت پنجم است. در صورتی که روح زنانه داشته باشند شدیداً و تنها مایل به رابطه عاشقانه بایک مرد و اگر روح مردانه داشته باشند بایک زن دارند. یعنی از لحاظ فیزیکی تمایل شدید به هم جنس دارند. مایل به بچه دار شدن هستند و ممکن است ازدواج کنند. مصرانه و شدیداً مایل به آن جام جراحی تغییر جنسیت بوده و در اکثر مواقع هم به آن دست پیدا می‌کنند. برای آرامش و راحتی از هورمون استفاده کرده و به آن

حقوق بشر انسان‌های دوگانه در جمهوری اسلامی ایران..... ۱۱

احساس نیاز می‌کنند. روان‌درمانی را تنها به دلیل دستیابی به آرامش و راهنمایی قبول می‌کنند. اگر جسم آن‌ها مردانه باشد از اندام‌های جنسی خود به شدت نفرت دارند و در صورت ناامید شدن از تغییر جنسیت ممکن است اقدام به قطع عضو و صدمه زدن به خود کنند.

هری بنجامین در ادامه یادآور می‌شود که این حالات قطعاً شش نوع نیست و ممکن است حالات دیگری نیز باشد که شفاف و واضح نیستند.

همانطور که مشاهده شد ترنس سکشوال‌ها یا انسان‌های دوگانه واقعی حالت پنجم و ششم هستند که از این پس هدف این نگارش همین دو گروه خاص است و حالت‌های دیگر با وجود شباهت‌ها، تفاوت‌های اساسی زیادی با گروه مورد مطالعه در این تحقیق داشته و به عنوان ترانس سکشوال شناخته نمی‌شوند.^۱ با بررسی منابع علمی و تحقیقی پیرامون این موضوع دریافته می‌شود که برای انسان‌های دوگانه حالت پنجم و ششم عبارت‌های دیگری هم چون جنسیت‌های مضاعف^۲ نیز به کار گرفته می‌شود.

نکته‌ای که در این جا به جهت اهمیت آن در عرصه بین‌المللی و در مباحث حقوق بشری لازم است بیان گردد تفاوت فاحش میان انسان‌های دوگانه یا ترانس سکشوال‌ها با هم جنس بازان است. همان‌گونه که گفته شد در انسان‌های دوگانه (حالت پنجم و ششم) روح و جسم قبل از جراحی و تغییر جنسیت نسبت به یکدیگر واگرایی داشته که با تغییر جنسیت قالب فیزیکی فرد برای دریافت روح مورد نظر مهیا می‌گردد. اما در بحث هم جنس بازان موضوع کاملاً متفاوت است و آن این است که هم جنس بازان به عنوان مثال اگر مرد باشند دارای جنسیت ذهنی و فیزیکی کاملاً مردانه بوده و هیچ

^۱ Leo Cohen, Psychological Functioning of Adolescent Transsexuals:

Personality and Psychopathology, Journal of Clinical Psychology, February ۱۹۹۷, pp ۱۸۷-۱۹۶ (۳۰/۰۴/۱۳)

^۲ مقالات ارایه شده در همایش ملی و میان رشته‌ای جنسیت مضاعف، انسان مضاعف، یگانگی انسانیت، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی تهران- ایران، پاییز ۱۳۹۰

حقوق بشر انسان‌های دوگانه در جمهوری اسلامی ایران.....۱۲

تمایلی برای تغییر جنسیت خود و یا استفاده از هورمون ندارند. آن‌ها می‌خواهند مرد بمانند ولی تنها با هم جنس خود زندگی و نزدیکی کنند.

با عنایت به توضیحات فوق، در بررسی ابعاد حقوق بشری گرایش‌های جنسی و هویت جنسیتی، هم جنس بازان هم در بسیاری از کشورهای غربی و آسیایی در چارچوب گرایش فوق الذکر مورد شناسایی قرار گرفته‌اند. در بررسی ابعاد بین‌المللی و حقوق بشری، اختلاط هم جنس بازان با انسان‌های دوگانه یک اقدام قابل تامل بوده و بایستی جداگانه مورد بررسی جدی و مجدد قرار گیرد که اساساً نگاه واحد به این دو گروه در ابعاد مختلف اجتماعی، حقوقی، فرهنگی و خصوصاً حقوق بشری چه آثار و پیامدهایی برای کل بشریت می‌تواند داشته باشد. آیا قرار دادن تعدی انسان‌های دوگانه و هم جنس بازان در یک گروه و دفاع یکپارچه و یکدست از حقوق آن‌ها، حقوق کل جامعه بشری را خدشه دار نمی‌کند؟

گفتار دوم: مشکلات مشترک اجتماعی و فرهنگی انسان‌های دوگانه ۱

الف - مشکلات انسان‌های دوگانه در حوزه فردی و روانی

این احساس که ما از چه جنسی هستیم اهمیت زیادی دارد و همین احساس است که در واژگونی جنسیتی، دچار اختلال می‌شود. انسان‌های دوگانه یا ترنس سکسوال‌ها که پیوسته در صدد کسب خصوصیات ظاهری و آناتومیک جنسی مخالف خود و رهایی از خصوصیات جنسی و آناتومیک خود هستند، دائم خود را موجود دیگری می‌دانند که در زندان تن جنس مخالف اسیر و گرفتار شده‌اند. آن‌ها معمولاً از ظاهر دستگاه تناسلی خود در زجر بوده و تصور این که مجبورند تمامی عمر خود را در این بدن بمانند آن‌ها را غمگین، ناامید و خشمگین می‌کند. افسردگی این بیماران زمینه ساز اقدام آن‌ها به

۱. محمد علی، گنجی، (کد پژوهشی) S. ۹۱، اختلالات جنسی، اداره ی کل آموزش و پژوهش، معاونت سیاسی وزارت کشور، ۸۷/۰۴/۰۳ برابر با ۲۰۰۸/۰۶/۲۴ میلادی

خودکشی به عنوان تنه‌اراه رهایی از این شرایط دشوار است. اولین نفری که متوجه می‌شود یک فرد، ترنس سکشوال است خود فرد است. هیچکس مانند خود فرد نمی‌تواند درست یا غلط بودن این مطلب را متوجه شود. ولی فرد برای اطمینان از صحت تشخیص خود احتیاج به منابع و راهنمایی از مرجعی قابل اعتماد دارد. فرد در مرحله آگاهی ممکن است توسط افراد ناشایست و سوء استفاده‌گر به بیراهه کشیده شود یا این که خود دچار انزوا، قتل نفس و یا هنجارشکنی شود. ترنس سکشوالیسم در اکثر مناطق و فرهنگها مجهول و ناشناخته است برای همین فرد ممکن است با حالت‌های خاصی روبرو شود. از جمله این که ممکن است هم جنس خواه و یا دگر پوش باشد و این تضاد درونی وی به علت هم جنس خواهی یا دگرپوشی وی باشد. ولی این روش نه تنها باعث آرامش وی نمی‌شود بلکه به شدت باعث ناراحتی و عذاب درونی می‌شود و فرد به این تصور می‌رسد که یک موجود عجیب و پدیده‌ای ناشناخته است و باعث انزوا و یا هنجار شکنی فرد می‌شود.

ب- مشکلات انسان‌های دوگانه در محیط خانواده و مدرسه

علی‌رغم این که این افراد در شکل‌گیری چنین شرایطی هیچ‌گونه نقش و تقصیری نداشته‌اند، عمدتاً به علت عدم آگاهی و شناخت بسیاری از مردم از این گروه، از سوی خانواده، محیط دوستان و آشنایان با مشکل مواجه می‌شوند. به عنوان مثال در محیط خانواده این افراد عمدتاً با برخورد منفی، توبیخ، تنبیه و بعضاً آزار و طرد مواجه می‌شوند. بستگان و آشنایان نیز به دلیل عدم آشنایی با این نوع اختلال با کلام و برخوردهایشان آن‌ها را آزار داده و عرصه را بر آن‌ها تنگ می‌کنند. از طرفی مقوله تغییر جنسیت در افکار عمومی تابوی ناشناخته‌ای است که خانواده‌ی این‌گونه افراد ترجیح می‌دهند که فرزندشان طرد شود و یا به دلایلی از بین برود تا این که تغییر جنسیت دهد. در محیط مدرسه نیز این افراد از سوی همکلاسی‌ها مورد اذیت و تمسخر واقع گردیده و در پاره‌ای موارد نیز مورد آزار جسمی و جنسیتی قرار می‌گیرند. مسئولین مدارس نیز به دلیل ناآگاهی از وضعیت این افراد آن‌ها را منحرف خطاب نموده و در پاره‌ای از

موارد و در برخی کشورها آن‌ها را از ادامه تحصیل محروم می‌کنند. لذا این شرایط امکان رشد اجتماعی این بیماران را با مشکلات فراوانی روبرو می‌سازد. معمولاً خانواده‌ها به خاطر ترس از نگاه غلط جامعه به شدت باین اقدامات مخالفت می‌کنند و با ایجاد محدودیت و مانع، باعث سرخوردگی یا نابودی روحی فرد میشوند. در این مرحله فرد به شدت تحت عوامل احساسی قرار می‌گیرد که اکثراً به شکست نیز منجر میشود.

ج - مشکلات انسان‌های دوگانه در محیط اجتماعی

یکی از کمبودها در جوامع مختلف، علم به وجود ترنس سکشوالیسم است. فقدان آگاهی عمومی به دلیل فقدان منابع آگاه کننده و قابل اعتماد است که می‌توانند در تمام نقاط جهان قابل دسترسی باشند. بسیاری از انسان‌های دوگانه یا ترنس سکشوال‌ها از حضور در اجتماع پرهیز می‌کنند. زیرا مورد تمسخر، آزار و اذیت جسمی و سوء استفاده جنسی قرار می‌گیرند. امکان ادامه تحصیل آن‌ها در مراکز آموزش عالی بسیار دشوار است. از سویی به علت علاقه مندی به مشاغل جنس مخالف خود در پیدا کردن شغل مورد نظر دچار مشکل هستند. سایر فعالیت‌های اجتماعی آن‌ها نیز از آسیب مصون نبوده و اینان رفته رفته در انزوا فرو رفته و برای خود و اطرافیان خود دردها و مشکلات فراوانی می‌آفرینند.

پس از این که انسان دوگانه از مرحله شناخت و آگاهی به چرایی وجود خود عبور نمود و به شرایط ویژه خودیقین پیدا کرد، در پی تایید عمومی خود بر می‌آید و سعی می‌کند تا خود را به جامعه و خانواده اثبات کند.

در این مرحله ترنس سکشوال‌ها به ۳ دسته تقسیم میشوند^۱:

۱. گروه اول: فرد با جدیت و تلاش، تمام منابع، دلایل قانونی، علمی و فلسفی

^۱ مشکلات ترنس سکشوال‌ها، انجمن ترنس گمنام

وجود خود را به مردم ارایه میکند و همیشه سعی میکند تا خود را اثبات کند و ممکن است کمپین، گروه‌ها، مراکز مجازی و حقیقی را نیز برای این کار تشکیل دهد. این گروه در طی مسیر خود ممکن است با نظرات شدید یا اقدامات قهری شدیدی از طرف خانواده یا جامعه روبرو شده و دچار مشکلات شدیدی شوند. حتی گاهی به قیمت از دست دادن جان و یا سرمایه فرد ختم میشود.

۲. گروه دوم: این گروه از افراد نظری مخالف با گروه اول دارند و عقیده براین دارند که تا حد امکان باید وجود خود را مخفی نگه داشته و پس از درمان زندگی گذشته را فراموش نموده و در مسیر زندگی جدید قرار گرفت. این افراد عقیده دارند شناخت جامعه از وجود ترنس سکشوالیسم باعث برخوردهای بد و شدید از جامعه میشود. به نوعی این افراد عقیده دارند که جامعه بلوغ فکری برای شناخت این بحث را ندارد.

۳. گروه سوم: این افراد حالتی میانه دارند و نه با آگاهی جامعه مخالفت می‌کنند و نه آن را تایید می‌کنند. انسان‌های دوگانه به هنگام عمل جراحی تغییر جنسیت نیز با مشکلات عدیده‌ای در جامعه مواجهند. در طی این دوره فرد با مشکلاتی از قبیل شرم از ابراز حالات خود، ترس از اقدام، کمبود اطلاعات راجع به پروسه تغییر جنسیت و نبود مکان‌های قابل اعتماد برای کسب آگاهی و هم چنین نبود امکانات کامل و استاندارد و کلینیک‌های تخصصی مواجه هستند.

یکی دیگر از مشکلات پیش رو هزینه‌های درمان این افراد است که گاهی از توان یک انسان در طبقه متوسط خارج بوده و این پروسه توسط بیمه‌های اجتماعی و درمانی تامین نمی‌شود. البته شرایط ذکر شده در کشورهای مختلف متفاوت است.

مشکل بعدی در این مقطع از زندگی یک ترنس سکشوال تغییرات ایجاد شده در ظاهر و حالات فرد است که رفته رفته از حالت اولیه خود در آمده و به حالت جنس مورد تقاضا در می‌آید. در این بین به خاطر نگاه نادرست عامه مردم و نبود آگاهی، رفتن در اجتماع و حضور در جامعه به شدت برای فرد سخت می‌شود این مشکل مخصوصا

حقوق بشر انسان‌های دوگانه در جمهوری اسلامی ایران..... ۱۶

برای ترنس سکشوال‌های مرد به زن به شدت آزار دهنده و سخت است. حس ترس و شک نسبت به دیگران در این دوره به شدت در فرد بروز می‌کند که دلیل اصلی آن می‌تواند رفتارهای گذشته اطرافیان باشد که باعث تشدید حس بدبینی و عدم اعتماد می‌شود. نیاز به انتخاب شریک جنسی در این دوره بالا است زیرا فرد باین کار و مبادله احساسات با شریک احساسی خود، سعی بر اثبات خود میکند. فرد در طی این دوره رفتار اجتماعی جنس مورد تقاضای خود را به شدت مورد تقلید قرار می‌دهد تا جایی که این رفتارها از حالت طبیعی خارج شده و مصنوعی می‌شود. علت این رفتار نبود مشاورانی متخصص برای آموزش و آماده سازی فرد برای ورود به رفتارهای اجتماعی مناسب است.

برخی مشکلات نیز پس از عمل تغییر جنسیت متوجه انسان‌های دوگانه است. یک ترنس سکشوال پس از درمان با مشکلاتی از قبیل عدم استقبال جامعه، عدم پذیرش خانواده، نبودن مراکز تخصصی برای مشاوره پس از درمان رنج می‌برد. البته همان گونه که ذکر شد میزان شدت و حدت این رفتارها در کشورهای مختلف و مبتنی بر فرهنگ، دین، آداب و رسوم متفاوت خواهد بود.

گفتار سوم: رویکرد کلان‌نظری دین اسلام پیرامون تغییر جنسیت

در ابتدا لازم است گفته شود که نگارنده عمدا قصد آن را ندارد که پیرامون موضوع تغییر جنسیت در چارچوب دین اسلام، میان نظرات و دیدگاه‌های موجود میان مذاهب اسلامی تقسیم بندی قایل گردد. بنابراین تلاش می‌شود تا در این خصوص به صورت موضوعی تقسیم بندی صورت پذیرد.

درباره مشروع بودن یا ممنوع بودن عمل تغییر جنسیت در اسلام نظریات متفاوتی اظهار شده است که در مجموع این آرا و اقوال را می‌توان به سه دسته (۱) مشروعیت مطلق (۲) ممنوعیت مطلق (۳) مشروعیت مشروط تقسیم نمود. عمده دلایل و نظریات

اظهار شده از سوی این سه گروه در این گفتار مورد بررسی قرار خواهد گرفت.^۱

نظریه مشروعیت مطلق تغییر جنسیت

آیت الله روح الله موسوی خمینی در کتاب تحریر الوسیله در اولین مساله در باب تغییر جنسیت آورده‌اند "ظاهر آن است که تغییر جنس مرد به زن و برعکس به سبب عمل جراحی حرام نیست" می‌توان از این جمله آیت الله خمینی مشروعیت مطلق تغییر جنسیت را استنباط کرد. ایشان تغییر جنسیت را به طور مطلق مجاز دانسته‌اند، لذا با توجه به این فتوا دلایلی هم برای آن مطرح گردیده است.

الف: اصل حلیت

مطابق اصل حلیت هرکاری حلال است مگر آن که دلیل صریحی از قرآن و روایات در برابر آن وجود داشته باشد. مثلاً اعمالی چون هم جنس بازی، لواط و زنا حرام است، زیرا دلیل بر حرمت این کارها و یا افعال، بیان واضح و صریح آیه‌های ۱۶۵ و ۱۶۶ سوره شعرا و آیه ۳۲ سوره اسرا در قرآن کریم است. اما در مورد حرمت تغییر جنسیت در قرآن کریم و یا در روایات مطلبی نیامده است. لذا بنا بر اصل حلیت چنین عملی ظاهراً مشروع است. به تعبیری دیگر قاعده اصاله الحل در شبهات حکمی و موضوعی جاری می‌شود و این قاعده در حقیقت یک حکم واقعی است. زیرا فردی که اقدام به عمل جراحی تغییر جنسیت نموده است، قبل از عمل جزء یکی از دو جنس (مرد یا زن) بوده و حکم یکی از این دو را داشته است. اما پس از آن جام عمل جراحی، عنوان قبلی از او برداشته می‌شود و عنوان جدید بر آن گذارده شده و ادله احکام این عنوان او را در بر می‌گیرد. بدین معنی که هیچ بازدارنده‌ای وجود ندارد که فردی را از دایره یکی از این دو عنوان خارج و در دایره عنوان دیگر داخل کند، بلکه دلیل عنوان جدید او را در بر می‌گیرد و بعد از آن جام عمل تغییر جنسیت، حکم عنوان جدید بر او بار می‌شود.

^۱ سید محمد، موسوی بجنوردی، بررسی فقهی حقوقی در خصوص تغییر جنسیت با رویکردی بر نظر حضرت امام خمینی (س)، پژوهش نامه متین، شماره ۳۶، صص ۲۱-۲۷

ب- قاعده فقهی تسلیط

دلیل دیگری که می‌توان برای مشروعیت مطلق تغییر جنسیت به آن استناد کرد، قاعده‌ی "الناس مسلطون علی انفسهم" می‌باشد. چون این قاعده در سیاق قاعده سلطه مردم بر مالشان است، در نتیجه همانگونه که مردم حق دارند در مالشان هرگونه تصرفی بکنند، می‌توانند در بدن خود نیز هرگونه تصرف حلالی را که بخواهند، انجام دهند. به استناد این قاعده‌یکی از تصرفات مجاز در بدن، تغییر جنسیت است.

ج- عدم تغییر در خلقت الهی

تغییر جنسیت بر خلاف اعتقاد عده‌ای که می‌گویند این عمل تغییر در خلقت خداوند سبحان است، اینگونه نیست، زیرا اگر بنا باشد تغییر جنسیت به خاطر تغییر در خلقت خداوند سبحان، حرام باشد پس لازم است که همه کارهای روزمره ما هم حرام باشد چون زندگی روزمره ما با تغییر و تبدیل‌های فراوانی همراه است. مثلاً، برای تهیه نان، گندم تبدیل به آرد و آرد تبدیل به خمیر و در نهایت خمیر در اثر حرارت تبدیل به نان می‌شود. یا این که تبدیل چوب به ذغال و بالاخره همه موارد استحاله که از صورتی نوعی به صورت نوعی دیگر تبدیل می‌شود و یکی از مطهرات هم هست را شامل می‌گردد. لذا اگر ایجاد اینگونه تغییرات در آفریده‌های خداوند سبحان حرام باشد، همه کاری روزمره انسان‌ها حرام و اشتباه خواهد بود. در نهایت این که با تغییر جنسیت، انسانیت انسان تغییر نمی‌کند و نهایتاً تغییر در صفت اتفاق می‌افتد و هیچ‌گاه انسان به جماد و یا حیوان و یا سنگ تبدیل نمی‌شود بلکه انسان همان انسان باقی می‌ماند. اما این انسان در عنوان جدید دارای تکالیف و وظایف وصفی تغییر یافته است. به تعبیری دیگر هویت انسان به نفس ناطقه است و مرد و زن بودن از عوارض بدن است و هیچ‌گونه ارتباطی به نفس ناطقه ندارد. خداوند در آیه ۴ سوره تین می‌فرماید "لقد خلقنا الانسان فی احسن تقویم" یعنی انسان (زن و مرد) را از عالی‌ترین سرشت خلق کردیم که همان نفس ناطقه است که مجرد است و مساله مردانگی و زنانگی از عوارض حیوانیت انسان

است.

نظریه ممنوعیت مطلق تغییر جنسیت

گروهی از فقهای اسلامی تغییر جنسیت را امری نامشروع دانسته و ضمن حرام شمردن آن قایل به عدم جواز آن شده‌اند. دلایل این گروه به شرح ذیل است.

الف- حرمت از بین بردن اعضای بدن

از بین بردن اعضای بدن جزء اعمال حرام و ممنوع به شمار می‌رود. بدین معنی که کسی نمی‌تواند به عضوی از بدن خود یا دیگری صدمه وارد کند یا آن را از بین ببرد. لذا اگر تغییر جنسیت را مجاز بدانیم مستلزم این خواهد بود که برداشتن و از بین بردن اعضای مثل آلت تناسلی را از بدن شخصی که موضوع تغییر جنسیت قرار گرفته جایز بدانیم، در حالی که از بین بردن اعضای بدن حرام است. در نتیجه تغییر جنسیت عملی نامشروع است. این گروه به قاعده‌ی "لاضرر و لااضرار فی الاسلام" استناد می‌کنند و طبق این قاعده وارد کردن نقص و ضرر، حتی بر بدن خود را حرام می‌دانند. اما معنی این قاعده لاضرر نفی هرگونه حکم ضرری در اسلام است. بدین معنی که در شریعت اسلام هیچ گونه حکم ضرری تشریح نشده است. مضافاً این که معنای قاعده‌ی لاضرر شیء نیست بلکه برداشتن هر حکم ضرری است که به تفصیل شرح آن در قواعد فقه ذکر شده است.

ب- غیر مجاز بودن تغییر در خلقت الهی

دلیل دیگر ممنوعیت تغییر جنسیت، غیر مجاز بودن آن است. خداوند سبحان انسان را مذکر و مونث آفریده است و هیچ قدرتی نباید مذکری را به مونث یا بالعکس تغییر دهد. این گروه برای اثبات عقیده خود به آیه‌های ۱۱۸ و ۱۱۹ سوره نساء از قرآن کریم استناد کرده‌اند. "خداوند آن (شیطان) را از درگاه خود دور کرده (زیرا به مجادله با خدا برخاست) و گفت من از بندگان توقسمتی را زیر بار طاعت خود خواهم کشید و سخت گمراهشان کنم و به آرزوهای باطل و دور و دراز در افکنم و به آن‌ها دستور

حقوق بشر انسان‌های دوگانه در جمهوری اسلامی ایران..... ۲۰

دهم تا گوش حیوانات ببرند (تا علامت باشد که این حیوان نصیب بتهاست) و امر کنم تا خلقت خدا را تغییر دهند، (ای بندگان بدانید) هرکس شیطان را دوست گیرد و نه خدا را، سخت زیان کرده، زبانی که اشکار است"

ج- مخالفت با مصالح عمومی

همان گونه که بعضی معتقدند، تغییر جنسیت با مصالح عمومی مخالف است زیرا قواعدی که وضع مدنی شخص را در جامعه تعیین می‌کند، تنها به خاطر حفظ منافع او وضع شده است، بلکه هدف مهم این گونه قواعد تامین مصالح عمومی است. به همین دلیل اشخاص نمی‌توانند برخلاف آن‌ها بایکدیگر توافق کنند چنان‌که به وسیله قرارداد نمی‌توان تابعیت یا جنسیت کسی را تغییر داد.

د- عدم منفعت عقلایی مشروع و قابل اعتنا

تغییر جنسیت عملی است که پزشک متخصص آن را انجام می‌دهد و باید از انجام فعل پزشک و جواز و عدم ممنوعیت آن اطمینان حاصل کرد. لذا در قانون و فقه می‌بینیم که صاحب نظران در باب اجازه شخص و نیز شرط فعل که از اعمال حقوقی بارز و مشهود است و موضوع آن انجام فعل است، اظهار نظر نموده‌اند که عمل مورد اجاره‌با مشروط باید دارای منفعت عقلایی مشروع و قابل اعتنا باشد. در مورد عمل پزشک نیز باید این موارد رعایت گردد. بنابراین اگر شخصی بدون مشکل بدنی یا روانی قابل توجه، اقدام به تغییر جنسیت خود نماید، چون این عمل نه تنها دارای منفعت مشروع قابل توجه عقلایی نیست بلکه شخص را گرفتار بحران روحی و روانی می‌کند، لذا انجام آن نامشروع تلقی می‌شود.

و- استناد به قاعده الناس مسلطون علی انفسهم

بعضی فقهای مسلمان از قاعده "الناس مسلطون علی انفسهم" به طریق دیگری استفاده کرده و ممنوعیت تغییر جنسیت را از آن استنباط کرده‌اند. آن‌ها معتقدند که قاعده تسلیط بدین معنی است که انسانی می‌تواند تصرفی نماید که از دیدگاه عقلا متعارف و

معقول باشد. در نتیجه قاعده سلطه بر نفس نیز در همین سیاق و حدود قرار می‌گیرد و اشخاص فقط می‌توانند تصرفی در بدن و نفس خود داشته باشند که عقلایی است، حال آن که تغییر جنسیت کسی که تمایلات روانی او مطابق با علایم بدنی اوست، از دیدگاه عقلا، تصرفی نامعقول و نامتعارف است. لذا به استناد این دلیل نمی‌توان تغییر جنسیت را به طور مطلق مشروع و مجاز دانست، زیرا به استناد اصول و قواعد مسلم حقوقی و سیره عاقلان، تصرفات لغو و زائدا دارای مفاسد اجتماعی یا شخصی، مشروع و مورد حمایت نیست.

نظریه‌ی مشروعیت مشروط تغییر جنسیت

نظریه دیگری که در مورد تغییر جنسیت ابراز شده است، مشروعیت مشروط آن است. زیرا مشروعیت هر عملی، منوط به وجود منفعت مشروع عقلایی است.^۱ در نتیجه، تغییر جنسیت در صورتی مشروع است که فرد متقاضی دارای مشکل جنسی باشد و پزشک متخصص تغییر جنسیت را برای رفع مشکل او مفید تشخیص دهد. در اکثر نظام‌های حقوقی این نظریه پذیرفته شده است و کشورهای که تغییر جنسیت را مشروع اعلام نموده‌اند، مشروعیت آن را به وجود شرایطی منوط کرده‌اند. لذا در مورد افراد سالم به عدم مشروعیت تغییر جنسیت معتقد می‌باشند. علاوه بر حقوق دانان، جامعه پزشکی نیز از طرفداران این نظریه به شمار می‌روند. به عبارت دیگر، در مواردی که تمایز جنس فرد طبیعی بوده ولی با هویت او از نظر هورمونی یا روانی مغایر باشد، تغییر جنسیت فرد به آن چه خود او بدان مایل است یا متخصصان و روان‌شناسان تشخیص می‌دهند، بدون اشکال است. البته مشروعیت تغییر جنسیت از لحاظ علم پزشکی مشروط به وجود شرایطی در متقاضی است تا پزشک بتواند او را موضوع معالجه تغییر جنسیت قرار دهد و از لحاظ علم حقوق نیز مشروط به وجود شرایطی در متقاضی است تا مورد حمایت قانونی قرار گیرد.

^۱. قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران، ماده ۲۱۵

برخی از فقهای معاصر مسلمان این نظریه را برگزیده‌اند و اتفاق نظر دارند که نگاه کردن به شرمگاه غیر شوهر و همسرانسان و نیز نگاه کردن به بدن مرد یا زن نامحرم و لمس کردن آن حرام است و برابر دلایل موجود، از دیدگاه شرع، جز در موارد اضطراری جایز نیست. لذا آن جام عمل جراحی تغییر جنسیت توسط جراح در صورتی حرام نمی‌باشد که این عمل بر روی کودک غیر ممیز انجام شود (البته در صورتی که به سود کودک و با اجازه ولی او باشد) یا این که ضرورت درمان به گونه‌ای باشد که قیح عمل نگاه و لمس آلت توسط پزشک را از میان بردارد. به عبارت دیگر، ضرورت معالجه آنقدر باشد که محرمات را مباح کند. لذا اکثر فقهای این گروه تغییر جنسیت را به وجود ضرورت معالجه مشروط می‌دانند.

در حقوق اسلامی، هرچند سابقه تغییر جنسیت، به زمان حکومت علی بن ابیطالب امام اول شیعیان و خلیفه چهارم اهل تسنن بر می‌گردد و در آن زمان ایشان کسی را که با پسر عمویش ازدواج کرده بود، از او جدا و به مردان ملحق کردند. اما در فقه اسلامی در مورد آثار و پیامدهای حقوقی آن چندان تحقیق وسیعی نشده است و از لحاظ قانونی نیز قانون خاصی درباره مشروعیت یا آثار حقوقی آن در کشورهای اسلامی تصویب نشده است. در حالی که در بسیاری از کشورهای پیشرفته جهان و حتی کشور ترکیه (با ساختار سیاسی لاییک) در این زمینه مقررات خاصی وضع شده است. ناگفته نماند که ایران در میان کشورهای اسلامی جزو کشورهای پیشرو در این زمینه بوده و عمل تغییر جنسیت طی مراحل صورت پذیرفته و حتی از طریق برخی سازمان‌های اجتماعی این عمل جراحی مورد حمایت قرار می‌گیرد. اما باین حال آثار و پیامدهای حقوقی وسیعی پیرامون این موضوع وجود دارد که تا کنون در چهارچوب قانون تدوین نشده است.^۱

^۱ علی رضا، باریکلو، آثار حقوقی تغییر جنسیت، فصلنامه‌ی مدرس علوم انسانی، دوره ۸ شماره ۳،

بنابراین باتوجه به فقدان نص قانونی و اهمیتی که در جنسیت تمتع از حقوق یا استیفای آن دارد، ضروری است آثار و پیامدهای حقوقی تغییر جنسیت طبق قواعد و اصول عام حقوقی مورد بررسی قرار گیرد. شخص تغییر جنسیت داده، ممکن است قبل از عمل تغییر، قراردادی را که جنسیت در آن موثر است منعقد و یا حقوقی را که جنسیت سابق در تمتع یا استیفای آن دخالت داشته، کسب کرده باشد و یا ممکن است قصد انعقاد قراردادی بر مبنای جنسیت جدید یا استیفای حقوقی را به اعتبار آن کند که لازم است تمام این موضوعات با توجه به جنسیت جدید در نظام‌های حقوقی متعدد از جمله نظام‌های حقوقی مبتنی بر اسلام مورد بررسی قرار گیرد.

جراحی تغییر جنسیت احتیاج به طی دوره نقاهت و آماده شدن برای زندگی جدید دارد. ولی اکثریت جامعه ترنس سکشوال‌ها بلافاصله پس از درمان وارد محیط جامعه شده و بدون هیچ آموزش اولیه وارد زندگی جدید خود میشوند.

گفتار چهارم: وضعیت انسان‌های دوگانه در حقوق ملی برخی

کشورها

مطالعه تطبیقی وضعیت انسان‌های دوگانه و تغییر جنسیت در نظام حقوقی کشورهای مختلف به صورت کاملایکسان کاری بسیار سخت و جمع آوری اطلاعات آن به دلیل جدید بودن موضوع آن و نهادینه نشدن ساختار حقوقی آن‌ها در این بحث، بسیار ملال آور است. به همین جهت در این گفتار سعی شده است، چند کشور مهم جهان انتخاب و موضوعات مختلف آن‌ها مورد بررسی قرار گیرد. برای اساس ممکن است در نظام حقوقی کشوری به عنوان مثال موضوع ازدواج انسان‌های دوگانه و دردیگری وصیت و یا مسایل مالی مبتلا به این افراد مطرح گردد.

۱. نظام حقوقی ایالات متحده آمریکا:

در آمریکا تلاش‌ها در سطح فدرال برای حمایت از ترنس سکشوال‌ها سابقه زیادی

ندارد و در عین حال تا حدودی ناموفق بوده است. با این حال تلاش‌های زیادی در طول دهه‌های گذشته برای تحت پوشش قرار دادن گرایش‌های جنسی مختلف به عنوان گروه‌های تحت حمایت‌های قوانین ضد تبعیض فدرالی وجود داشته است. از جمله می‌توان به قانون منع تبعیض در استخدام مصوب سال ۲۰۰۷ اشاره نمود. البته کمیته‌ای در سال ۱۹۹۴ برای ممنوع ساختن تبعیض بر مبنای گرایش جنسی تشکیل و لایحه‌ای ارایه نمود که در سنای آمریکا رد شد.^۱

هنگامی که لایحه‌ی فوق الذکر (۲۰۰۷) در مجلس نمایندگان در حال بررسی بود بحث‌های مفصلی در گرفت اما در نهایت تصویب شد.^۲ اما اصلاحیه‌ای هم به این لایحه وارد شد. سخنگوی این اصلاحیه گفته است که کنگره رهبری ایالات، شهرها و مشاغل خصوصی وظیفه حمایت از منع تبعیض بر اساس هویت جنسی را به عهده دارند. مطابق استدلال وی شخص نباید صرفاً بر اساس تعارض بین وضعیت جسمی و احساس درونی‌اش از اشتغال منع گردد. این لایحه، حمایت در مقابل تبعیض بر اساس هویت جنسی را در بر نمی‌گرفت و طرفداران آن پیشنهاد اصلاحیه‌ای برای افزودن چنین موردی به لایحه را دادند تا ترنس‌ها هم در مفهوم کسانی که عمل تغییر جنسیت داشته‌اند و هم آن‌هایی که پوشش و رفتار جنس مخالف خود را دارند گسترش یابد. اما چنین اصلاحیه‌ای هم تصویب نشد.

در مقابل تلاش‌های ناموفق فدرالی، تلاش‌های ایالتی در آمریکا با توفیق بیشتری

^۱ A Discussion of These Legislative Attempts, From ۱۹۷۵ to ۲۰۰۷, can be found in The Report on H.R. ۳۶۸۵, Employment Non-Discrimination Act of ۲۰۰۷, ۱۱th Cong, ۱st Sess, (October ۱۸, ۲۰۰۷), The First Committee Hearing to be Held on a Bill to Prohibit Sexual Orientation Discrimination Was in ۱۹۹۴, and in ۱۹۹۶, the First Floor Vote on Such a Bill Resulted in its Rejection by a Vote of ۵۰-۴۹ in the Senate. (۰۸/۰۵/۱۳)

^۲ Employment Non-Discrimination Act of ۲۰۰۷, H.R. ۳۶۸۵, ۱۱th Cong, ۲nd Sess, ۲۰۰۸, Bill Tracking H.R. ۳۶۸۵, ۱۱۰ Bill Tracking H.R. ۳۶۸۵. The Bill Was Introduced in the House of representatives on September ۲۷, ۲۰۰۷, reported out of Committee on October ۲۲, ۲۰۰۷, and Passed the House on November ۷, ۲۰۰۷. (۰۸/۰۵/۱۳)

همراه بوده است. تعداد زیادی از ایالات در قوانین خود صریحا کارفرمایان را از تبعیض در استخدام بر مبنای هویت جنسی ممنوع ساختند. قانون تهیه مسکن و استخدام عادلانه ایالت کالیفرنیا به منظور شمول ممنوعیت قانونی علیه تبعیض جنسی به تبعیض بر اساس جنسیت من جمله هویت جنسیتی و ظاهر و رفتار مربوط به جنسیت صرف نظر از مطابقت با جنس ثبت شده فرد به هنگام تولد اصلاح گردید. ایالات دیگری هم چون کلرادو، بخش کلمبیا، لوا، مین، ورمونت، واشنگتن، ایلینویز نیز در این زمره بوده‌اند. علت این که حساسیت بیشتری نسبت به ادعاهای تبعیض علیه این اشخاص هست این بوده که ادعاهای تبعیض بر اساس تصور قالبی جنسی به دنبال توسعه حمایت به تبعیض علیه ترنس سکشوال‌ها بوده و کسانی که از عدم تطبیق هویت جسمی و روانی رنج می‌برند.

دادگاههای آمریکا جدیداً به سمتی حرکت می‌کنند که ممنوعیت تبعیض بر اساس جنس به ترنس سکشوال‌ها تسری یابد. اما در گذشته استدلال دادگاهها عکس این مسئله بوده و معتقد بودند که ممنوعیت مورد نظر کنگره صرفاً بر اساس جنس بوده و به هویت جنسیتی گسترش پیدا نمی‌کند.^۱

به طور کلی می‌توان گفت که اقلیت‌های جنسی از جمله انسان‌های دوگانه در سطح فدرال و برخی ایالت‌های محدود خارج از شمول قوانین ضد تبعیض محیط کاری هستند. اما با این وجود عنوان هفتم (Title ۷) قانون حقوق مدنی ۱۹۶۴ و اکثر قوانین ایالتی تبعیض در استخدام بر اساس جنس را ممنوع می‌کند. اصطلاح جنس باید به نحو وسیع‌تری از تفسیر دادگاه‌ها در خصوص اقلیت‌های جنسی تعریف شود، تا هم ویژگی‌های بیولوژیکی و هم ویژگی‌های جنسیتی را در برگیرد. تحقیقات پزشکی و

^۱.See *Dobre V. National Railroad Passenger Corp*, ۸۵۰F. pp ۲۸۴-۲۸۷ (۰۸/۰۵/۱۳)

در این جا اشاره شده که قصد کنگره در عنوان هفتم حمایت از ترنس سکشوال‌ها در مقابل تبعیض بر اساس ترنس سکشوالیست بودنشان نیست.

حقوق بشر انسان‌های دوگانه در جمهوری اسلامی ایران..... ۲۶

روانشناسی تایید کرده‌اند که تعیین جنس شخص پیچیده‌تر از آن است که دادگاه‌ها بتوانند در خصوص آن‌ها تمایز قایل شده و اظهار نظر کنند.

رویه دادگاه‌های آمریکادر تغییر گواهی تولد و شناسایی ازدواج انسان‌های

دوگانه:

دادگاه‌های آمریکا تا کنون در اعمال قوانین راجع به گواهی تولد و ازدواج انسان‌های دوگانه یا ترنس سکشوال‌ها به نحو متفاوتی رفتار کرده‌اند. دادگاه‌های برخی ایالت‌ها به عنوان مثال دادگاه‌های اوهایو، ایلینویز، تگزاس و نیویورک به این نتیجه رسیده‌اند که برای ازدواج تغییر جنسیت لازم نیست. برخی دیگر من جمله دادگاه‌های ایالت نیوجرسی و کانزاس تغییر جنسیت را تایید کرده‌اند. تقریباً تمامی ایالات آمریکا تغییر نام و جنس مندرج در گواهی تولد را اجازه می‌دهند. تنها ایالات ایداهو، اوهایو، تنسی و تگزاس اجازه تغییر جنسیت را نمی‌دهند. برخلاف سایر ایالات انسان‌های دوگانه مقیم ایالت کالیفرنیا که عمل تغییر جنسیت انجام داده‌اند، اگر در جایی خارج از ایالت متولد شده باشند باز هم می‌توانند برای تغییر نام و جنسیت دستور دادگاه را اخذ نمایند.

رویه دولت آمریکا در خصوص اخذ پاسپورت برای انسان‌های دوگانه:

از آن جا که موضوع گذرنامه ماهیت فدرالی دارد، وزارت کشور آمریکا مقرر می‌دارد که اطلاعات بیوگرافی و هویت شخص در پاسپورت او مندرج است. در سال ۲۰۱۰ سیاست آن راجع به تغییرات جنسیتی اصلاح شد تا با ارایه گواهی از پزشک تغییر دایمی جنسیت مندرج در پاسپورت اجازه داده می‌شود. جایی پزشک تایید می‌کند که متقاضی درمان‌های کلینیکی لازم برای تغییر جنسیت را انجام داده باشد.

رویه‌ی دولت آمریکا جهت اخذ مالیات برای تغییر جنسیت:

طبق لیست منتشر شده توسط IRS ۵۰۲ تخفیف‌های متعددی در خصوص

حقوق بشر انسان‌های دوگانه در جمهوری اسلامی ایران..... ۲۷

معالجات تغییر جنسیت وجود دارد.^۱

رویه‌ی دولت آمریکا در خصوص مهاجرت انسان‌های دوگانه:

در سال ۲۰۰۰ قاضی A.Wallace Tashima اعلام نمود که مردانی که دارای هویت جنسی زنانه هستند یک گروه اجتماعی خاص هستند که در کشور مکزیک تحت تعقیب بوده و می‌توانند به ایالات متحده پناهنده شوند. این تصمیم دادگاه تجدید نظرایالات متحده موجب این نگرانی شد که از این پس موج‌اشخاص دارای اختلال جنسی به سوی پناهندگی بر اساس گرایش جنسی یا هویت جنسیتی روانه شوند.^۲

۲. نظام حقوقی آلمان:

اولین قانون آلمانی مربوط به افراد ترنس سکشوال^۳ در سال ۱۹۸۰ و در پی حکم دادگاه فدرال قانون اساسی^۴ به اجرا درآمد. تصویب این قانون نقطه عطف مهمی در عرصه حقوق افراد ترنس سکشوال در آلمان بود.

اگر چه تجزیه و تحلیل علمی ترنس سکشوالیته یا گرایش به تغییر جنسیت، پدیده‌ای نسبتاً جدید به شمار می‌آید اما درک این وضعیت خاص از زمانی که ماگنوس هیرشفلد^۵، سکسولوژیست آلمانی برای نخستین بار در آغاز قرن بیستم آن را شرح داد، بسیار متحول شده است. در نتیجه تلاشها و فعالیت‌های هیرشفلد، کشور آلمان در دهه دوم قرن بیستم پیشرو آزمایشات مربوط به تغییر جنسیت انسان بود. متعاقب تحقیقات

^۱. Publication ۵۰۲ (۲۰۰۸), Medical and Dental Expenses, Internal Revenue Service ۲۰۰۹.
<http://www.irs.gov/publication/p502/index.html>.

^۲. Text of Judes Decision in Geovann,Hernandez-Montiel v. Immigration and Naturalization Service Via UNHCR ref World.(۰۸/۰۵/۱۳)

^۳. Transsexual Law(TSG), Transsexuellengesetz, ۱۹۸۰

^۴. Federal Constitutional Court

^۵. Magnus Hirschfeld (۱۸۶۸- ۱۹۳۵)

وی و همکارانش، سایر دانشمندان و سیاستمداران آلمانی نیز زوایای گوناگون پدیده‌ترنس سکشوالیسم را در حوزه فعالیت خود مورد بررسی قرار دادند. به این ترتیب ترنس سکشوال‌ها قوانین موجود را پیرامون تقسیم بندی دوتایی جنسیت و مفهوم غیر قابل تغییر جنس به چالش کشیدند.

دیدگاه حاکم در جمهوری فدرال آلمان (آلمان غربی) در باره تمایل به تغییر جنسیت و آثار آن به عنوان مفهومی حقوقی در قانون ترنس سکشوال ۱۹۸۰ منعکس شده است. هنگام تنظیم این قانون، قانون گذاران آلمانی به دشوار بودن گنجاندن انسان‌های دوگانه در طبقه بندی سنتی دوتایی جنسیت پی بردند و این نکته مسلم شد که نمی‌توان غیر قابل تغییر بودن این تقسیم بندی را پذیرفت.

قانون ۱۹۸۰ از افرادی یاد می‌کند که احساس می‌کنند به جنسیتی غیر از وضعیت جسمی و جنسی کنونی تعلق دارند. این تعریف ابعاد جسمی، اجتماعی و روانی تمایل به تغییر جنسیت را مشخص می‌کند. با این حال، به رسمیت شناختن قانونی هرگونه تغییر، مبتنی بر نتایج حاصله از اعمال روش‌های پزشکی برای تغییر جنسیت می‌باشد. افزون بر این که فرد ترنس سکشوال برای درخواست به رسمیت شناختن هویت و جنسیت جدید به گواهی کارشناس متخصص نیاز دارد و این فرآیند حداقل شش ماه به طول می‌انجامد. در آلمان محدودیتی وجود نداشته و هر پزشک متخصصی می‌تواند در باره وضعیت فرد ترنس سکشوال گواهی دهد.

قانون ۱۹۸۰، اوضاع و احوال این گونه افراد را در عرصه حقوق مدنی شرح داده است و پرونده‌های کیفری انسان‌های دوگانه به صورت موردی با ارجاع و استناد به قانون ترنس سکشوال و نیز مجموعه قوانین کیفری آلمان حل و فصل می‌شوند.^۱

مطالعات نشان می‌دهند که پدیده تغییر جنسیت انسان‌های دوگانه موضوع مباحث گسترده میان پژوهشگران و اندیشمندان آلمانی بوده و نخستین عمل‌های جراحی برای

^۱ Strafvollzugsgesetz(Deutschland)

تغییر جنسیت نیز در سال ۱۹۱۲ در برلین و پراگ انجام شده است. در ادامه این فعالیت‌ها، گرایش به تغییر جنسیت به عنوان پدیده‌ای که ریشه در وضعیتی جسمی دارد اما به صورت حالات روانی بروز پیدا می‌کند، معرفی شد. در سال‌های اخیر، نهادهای دانشگاهی و حقوقی تصمیم گرفتند به جای آن که در پی درمان‌یک عامل روانی ناشناخته باشند، به چارچوبی برای دغدغه‌ها و مشکلات اجتماعی برخاسته از این وضعیت خاص جسمی و روانی بپردازند. که البته بایستی به برخی تفاوت‌های خاص میان انسان‌های دوگانه یا ترنس سکشوال و سایر اشکال نظیر هم جنس گرایی و مبدل پوشی توجه کرد.

امروزه گرایش به تغییر جنسیت در آلمان با نگاهی به پیشینه تاریخی ملی و تعقیب و دستگیری ترنس سکشوال‌ها در دوره آلمان نازی مورد بررسی و مطالعه قرار می‌گیرد. که بی‌تردید دوران فجیعی در عرصه حقوق‌این گونه افراد محسوب می‌شود. قانون پیشگیری از پیدایش نسل دارای ژن بیمار و معیوب^۱ در سال ۱۹۳۳ تصویب و در پی قوانین نورنبرگ^۲ مصوب ۱۹۳۵ به اجرا گذاشته شد. به موجب این قانون صدها هزار نفر به دلیل عدم استحقاق برای ازدیاد نسل عقیم شدند. گروه‌های محکوم به مقطوع النسل شدن از میان کولی‌ها، سربازان جنگ اول جهانی و ترنس سکشوال‌ها انتخاب می‌شدند. دانشمندان نازی که برای فرمانده نیروهای اس‌اس، هینریش هلمر^۳ کار می‌کردند، آزمایش‌های فجیعی را برای عقیم سازی قطعی افراد آن جام دادند.

سرانجام این دغدغه‌ها و مشکلات اجتماعی، درمانی و فرهنگی انسان‌های دوگانه موجب شد تا جمهوری فدرال آلمان در قانون ۱۹۸۰ این قشر جامعه را مورد خطاب و توجه قرار دهد. از زمان تصویب این قانون، شمار زیادی درخواست‌ها برای به رسمیت شناختن هویت و جنسیت جدید به دادگاه‌های آلمان ارایه شد. دادگاه قانون اساسی

^۱ Law for the Prevention of Genetically-Sick Offspring , ۱۹۳۳

^۲ Nuremberg Laws

^۳ Heinrich Himmler

حقوق بشر انسان‌های دوگانه در جمهوری اسلامی ایران..... ۳۰

در این زمینه بیان داشته است که به رسمیت شناختن عمل جراحی تغییر جنسیت هنگامی که از نظر پزشکی تایید شده باشد، با آداب و رسوم اجتماعی در تعارض نیست. بنابراین بسیاری از دادگاهها حقوق انسان‌های دوگانه را بر مبنای حقوق اساسی شناخته شده و به همه انسان‌ها، گسترش دادند. دادگاه قانون اساسی به صراحت اعلام کرد که قانون باید بدون هرگونه تبعیضی نسبت به همه ترنس سکشوال‌ها اعمال شود و شرط سنی ۲۵ سال برای تغییر جنسیت را نیز حذف نمود. افزون بر اینکه، دادگاه حیطه اعمال قانون انسان‌های دوگانه را با شرایطی به شهروندان غیر آلمانی ساکن آلمان نیز تسری داده است.

امروزه در آلمان گرایش به تغییر جنسیت به یک ضرورت پزشکی تبدیل گردیده و در نتیجه ترنس سکشوال‌ها هزینه اقدامات درمانی و اعمال جراحی خود را از محل بیمه‌های درمانی دریافت می‌کنند. البته تشخیص این ضرورت پزشکی به نظر کارشناس و متخصص نیز بستگی دارد.

در آلمان قانون انسان‌های دوگانه دوره را برای متقاضیان شناسایی قانونی جنسیت جدید پیش بینی کرده است. به موجب این قانون، ترنس سکشوال‌ها می‌توانند ۱- صرفاً اقدام به تغییر نام خود کنند و ۲- همزمان با تغییر نام، جنسیت خود را نیز به طور رسمی و طی یک فرآیند قانونی تغییر دهند.

راه حل اول (جزیی و کوچک) بی آن‌که اشاره به جنسیت قانونی فرد بشود نام او تغییر می‌کند. به بیان دیگر فرد مجاز می‌شود که با توجه به جنسیت جدید نام دیگری را اختیار کند. اما هویت جنسی جدید او به صراحت توسط قانون شناسایی نمی‌شود. شرط آن است که فرد متقاضی حداقل برای مدت سه سال با جنسیت جدید خود زندگی کرده باشد.

هم چنین دادگاه بایستی اطمینان حاصل کرده باشد که فرد ترنس سکشوال مصمم به تغییر جنسیت است و احساسش دگرگون نخواهد شد. نام جدید که متناسب با جنسیت جدید است صرفاً با رای دادگاه رسمیت یافته و دو پزشک متخصص هم بایستی

حقوق بشرانسان‌های دوگانه در جمهوری اسلامی ایران..... ۳۱

وضعیت فرد را گواهی کنند. پس از رسمی شدن نام جدید در فقط در شرایط خاصی تغییر نام فرد بی اثر گردیده و وضع سابق اعاده می‌گردد. مانند آن که فرد ترنس سکشوال صاحب فرزندی شود یا فرزندی داشته باشد که بیش از ده ماه دارد و یا دوباره ازدواج کند.

راه حل دوم (عمده و بزرگ) اعطای اجازه قانونی به فرد برای تغییر جنسیت و شناسایی رسمی جنسیت جدید اوست. همه شرایط لازم برای اعمال راه حل اول، درباره این راه نیز صدق می‌کند مضافاً این که سه شرط دیگر مورد توجه قرار می‌گیرد. نخست، فرد متقاضی نباید متاهل باشد. دوم، به طور دایم قادر به تولید مثل نباشد. و سوم، عمل جراحی را برای دستیابی به همه ویژگی‌های ظاهری و بیرونی جنسیت جدید انجام داده باشد. البته شروط مذکور در قانون ۱۹۸۰ پس از اصلاح همان قانون در سال ۲۰۱۱ حذف گردیده است. بر خلاف راه حل اول که بازگشت امکان پذیر بود، در این راه حل برگشتی وجود ندارد.

۳. نظام حقوقی انگلستان:

در انگلستان، ترنس سکشوال‌ها افرادی هستند که از لحاظ بیولوژیکی و فیزیکی طبیعی اما از لحاظ روانی خود را عضوی از اعضای جنسیت مخالفشان می‌دانند. یک مرد ترنس سکشوال همانند سایر مردان کروموزوم‌هایش XY است و یک زن ترنس سکشوال هم کروموزوم‌هایش XX است. ترنس سکشوالیسم یا تمایل به تغییر جنسیت در واقع یک عارضه ذهنی و روانی است تا یک اختلال جسمی و کاملاً با هر مافرو دیتیسم که فرد در آن یک نا هنجاری فیزیکی دارد متفاوت است.

مساله‌ی حایز اهمیت برای انسان‌های دوگانه یا ترنس سکشوال، تمایل به ادامه زندگی‌شان در جنسیت مقابلشان است. به همین دلیل، باید امکان برایشان از طریق مداخلات پزشکی هم چون درمان‌های هورمونی و جراحی فراهم شده و هم چنین تغییر جنسیت آن‌ها طبق قانون مورد شناسایی قرار گیرد.

حقوق بشر انسان‌های دوگانه در جمهوری اسلامی ایران..... ۳۲

قانون شناسایی جنسیتی انگلستان^۱ مکانیسمی را ایجاد کرده که با استفاده از آن افراد ترنس پس از تشخیص وضعیتشان و پس از گذشت دو سال از وضعیت جدیدشان می‌توانند تقاضای دریافت سند شناسایی جنسیت تازه تحصیل شده‌شان را بنمایند. این تقاضانامه باید حاوی دو گزارش باشد که یکی از آنها باید از جانب یک پزشک متخصص یا یک روانشناس متخصص در زمینه ناهنجاری‌های جنسیتی باشد. چنان‌چه مدارک پزشکی دال بر در معرض خطر بودن سلامتی شخص ترنس سکسوال وجود دارد، نیازی به جراحی نیست. یکی از تدابیر قانون شناسایی جنسیتی در انگلستان این است که انسان‌های دوگانه‌ایی که پیش از انجام جراحی ازدواج کرده باشند، تنها می‌توانند تقاضای گواهی محدود شناسایی جنسیت جدید را بنمایند و چنان‌چه در طی شش ماه از همسرش جدا شود واجد دریافت گواهی تام و کامل شناسایی می‌باشد. پس از آن هم چنان‌چه دو طرف مایل به ادامه زندگی در کنار هم باشند می‌توانند طبق قانون سال ۲۰۰۴^۲ در کنار هم زندگی مشترک داشته باشند.

قانون شناسایی جنسیتی انگلستان در ۲۰۰۴ یک نمونه قانونی برای سایر کشورهای اروپایی برای وضع مقررات راجع به وضعیت ترنس‌ها در کشورشان بوده است.

حقوق شغلی و استخدامی انسان‌های دوگانه در انگلستان:

طبق قانون شناسایی جنسیتی انگلستان ۲۰۰۴^۳ اشخاصی که شروط برشمرده در قانون من جمله سابقه حداقل دو سال زندگی در جنسیت تازه خود را داشته باشند مجوز شناسایی حقوقی کامل در جنسیت جدید خود را خواهند داشت و چنان‌چه در این راه موفق عمل کنند در تمامی زمینه‌های حقوقی، جنسیت جدید آنها به رسمیت شناخته خواهد شد.^۳

^۱ Gender Recognition Act (۲۰۰۴).

^۲ UK Civil Partnership Act (۲۰۰۴)

^۳ Section ۹(۱) : Consequences of Issue of Gender Recognition Certificate Etc.

قانون دیگری نیز پیش از قانون شناسایی جنسیتی در سال ۱۹۹۹ تحت عنوان قانون مقررات تبعیض جنسیتی در انگلستان به تصویب رسیده است که مطابق این قانون تبعیض قایل شدن بین اشخاص به دلیل تغییر جنسیت غیر قانونی است. هرچند نظرسنجی که در سال ۲۰۰۰ و قبل از قانون فوق‌الذکر انجام شد نشان داد که در عمل آزار و اذیت و تبعیض در خصوص انسان‌های دوگانه در محل کارشان یک مساله‌ی مشترک و شایع بوده است. هرچند هم اکنون و پس از اجرای قانون شناسایی جنسیتی ۲۰۰۴، وضع این اشخاص به نحو مطلوب‌تری تغییر کرده است. اما هنوز هم نیاز به ادراک وسیع‌تر مشکلات این افراد در محل کارشان احساس می‌شود.

بر مبنای اهداف آموزشی شغلی و استخدامی در انگلستان تبعیض بر اساس جنسیت نوعی تبعیض بر مبنای جنس بوده و مخالف قانون تبعیض جنسیتی است و کارفرمایانی که این قانون را با تبعیض بر اساس تغییر جنسیت نقض کنند به همان نحوی مسئول خواهند بود که برای مثال برای یک زن به دلیل جنسش قایل به تبعیض شوند. مقررات دیگری در سال ۲۰۰۵ تحت عنوان مقررات تساوی شغلی به تصویب رسید که از ترنس سکشوال‌ها در مقابل آزار و اذیت یا ایجاد ارباب، خصومت، تحقیر و خوار و خفیف کردن حمایت می‌کند.^۱

با عنایت به قوانین فوق‌الذکر انسان دوگانه در انگلستان با در دست داشتن مدارک لازمه از زمان بازشناسایی جنسیت جدیدش واجد کلیه حقوق و مسئولیت‌های مرتبط با جنسیتش بوده، قادر به ازدواج با جنس مخالف بوده و در سن مقرر قانونی برای بازنشستگی مطابق جنسیتش واجد شرایط بهره‌مندی از حقوق بازنشستگی و سایر مزایا می‌باشد. هم‌چنین این افراد می‌توانند تقاضای گواهی تولد جدیدی در جنسیت و نام جدید کنند. به شرط آن که در انگلستان متولد شده باشند.

حریم خصوصی و مسایل محرمانه - روابط و مسایل خانوادگی انسان‌های

^۱The Employment Equality (Sex Discrimination) Regulations ۲۰۰۵.

دوگانه:

مطابق قوانین ذکر شده با شناسایی کامل جنسیت جدید، شخص ترنس سکشوال در واقع همانند کسی است که همیشه در همان جنسیت زندگی کرده است. با به رسمیت شناختن جنسیت جدید، فرد می‌تواند تقاضای چنین به رسمیت شناختنی را بکند. و در صورت موفق شدن گواهی رسمی دریافت نماید. آن‌هایی که در انگلستان متولد شده‌اند گواهی جدید دریافت خواهند کرد و بعد از آن هم در تمام مسایل حقوقی، جنسیت جدید فرد معیار ارزیابی وضعیت حقوقی او در مسایل گوناگون قرار می‌گیرد.

از دستاوردهای این قانون حمایت از حق حریم خصوصی فرد است. بدین معنا که مقامات رسمی تضمین می‌دهند که بدون اجازه انسان‌های دوگانه یا ترنس سکشوال‌ها در مورد گذشته و سابقه جنسیتی‌اش چیزی نگویند و آن را افشا نکنند، به عبارت دیگر افشای اطلاعات خصوصی ترنس‌ها در مقام و موقعیت رسمی جرم محسوب می‌شود.^۱ این افراد از حق بر حریم خصوصی برخوردارند. اشخاصی که به مناسبت موقعیت شغلی خود از گذشته انسان‌های دوگانه اطلاع دارند و یا می‌دانند و یا حدس می‌زنند که چنین شخصی گواهی بازشناسی هویت یا گواهی تولد جدیدی دارد چنان چه این اطلاعات را بدون رضایت فرد به شخص ثالثی منتقل کند تا پنج هزار پوند جریمه و یا تا شش ماه حبس محکوم خواهد شد.^۲

انسان‌های دوگانه الزامی به افشای داشتن گواهی بازشناسی جنسیت ندارند و تشخیص این مساله به عقل سلیم اشخاص واگذار شده است. بنابراین رویه درست این است که فرض شود که انسان‌های دوگانه که نامشان را با اظهارنامه قانونی یا سند رسمی تغییر داده است در تمامی موارد جنسیت جدیدش پذیرفته شده است. تنها استثنا جایی است که فرد ترنس سکشوال قادر به دادن رضایت نباشد. مانند زمانی که فوت

^۱. Section ۲۲ (۱)

^۲. Section ۲۲(۸)

کرده باشد و یا دلایل پزشکی داشته باشد.

این حفاظت از اطلاعات انسان‌های دوگانه تا حدی است که ممکن است شریک زندگی فرد و اعضای خانواده‌اش پس از ازدواج در خصوص تغییر جنسیت وی چیزی ندانند و شخص نخواسته باشد که اطلاعات گذشته‌اش فاش شود.

مسایل مالی انسان‌های دوگانه:

برای این اشخاص بعد از تغییر جنسیت ممکن است مسایل مالی متعددی مطرح شود. ممکن است از مزایای بازنشستگی در شغلشان محروم بمانند و یا زندگی آن‌ها از هم بپاشد. بسیاری از حوزه‌های زندگی با اخذ گواهی می‌تواند متاثر شود. اما این تصمیم با اخذ گواهی صرفاً با خود فرد است و نباید به این کار اجبار شود. این تصمیم ممکن است زیان‌های عملی همانند نتایج عاطفی برای فرد به همراه داشته باشد و وضعیت مالیاتی، مزایا و مقرری‌های بازنشستگی و وضعیت اعتباری و مالی او را دستخوش تغییر کند. آن‌ها باید از مشاوره حرفه‌ای در خصوص نتایج و عواقب تغییر جنسیت برخوردار شوند.

مقرری بازنشستگی انسان‌های دوگانه^۱:

یکی از نتایج سودمند برای یک زن ترنس سکشوال که به دنبال به رسمیت شناخته شدن جنسیت جدید است این است که مقرری دولتی را در سن شصت سالگی دریافت خواهد کرد. در خصوص مردان قانون برعکس عمل کرده و با اخذ گواهی استحقاق یک مرد ترنس سکشوال برای برخورداری از مقرری در سن شصت سالگی از بین می‌رود. با این وجود سن بازنشستگی برای بیشتر مردان تغییر کرده است.

استفاده از خدمات عمومی توسط انسان‌های دوگانه:

در استفاده از امکانات و خدمات عمومی انسان‌های دوگانه در مقابل تبعیض، آزار و

^۱. Schedule ۵, Part ۲ (Category A Retirement Pension) of GRA

حقوق بشر انسان‌های دوگانه در جمهوری اسلامی ایران..... ۳۶

اذیت مورد حمایت قرار گرفته‌اند و این هم شامل خدمات عمومی، تشکیلات و خدمات تجاری است. به عنوان مثال اگر یک مجموعه رفاهی اجازه استفاده از امکاناتش را به یک ترنس سکشوال ندهد و یا موسسات تهیه مسکن از پیشنهادات خود برای فراهم نمودن مکان مناسب امتناع کرده و یا یک مامور به خدمات عمومی یا یک مغازه دار از سرویس دهی امتناع بورزد، غیر قانونی بوده و قابل پیگرد قانونی است.

وصیت انسان‌های دوگانه:

انسان دوگانه در انگلستان هم همانند سایر اشخاص نیاز به تنظیم وصیت نامه برای بهره مند ساختن بازماندگانش از اموالش دارد. چنان چه در وصیت نامه‌اش از دو نام استفاده کند، حتی اگر به تازگی هم شروع به زندگی در جنسیت جدیدش کرده باشد، باید هویت اصلی خود را مشخص سازد.

در جایی که فرد ترنس سکشوال وارث بوده و در وصیتی ذینفع است، نیاز دارد که مدارکی دال بر هویت قبلی‌اش داشته باشد. و یا این که اگر مدارک دال بر جنسیت جدید دریافت نموده باید آن‌ها را ارایه نماید.

ثبت مرگ انسان‌های دوگانه:

معمولاً این کار توسط بازماندگان و بستگان متوفی صورت می‌پذیرد. چنان چه خویشاوندی نباشد به کسی که در زمان مرگ حاضر بوده این اجازه برای ثبت داده می‌شود. ثبت هم باید توسط اداره ثبت بخشی که مرگ در آن جا رخ داده صورت بگیرد. در خصوص انسان‌های دوگانه مشکل از آن جا شروع می‌شود که باید جنسیت این شخص احراز گردد. زمانی که شخص به هنگام مرگ گواهی مورد نظر رداشته باشد همانطور که گفته شده جنسیت مورد نظرش مطابق گواهی پس از تغییر برای تمامی موارد حقوقی من جمله مرگ به رسمیت شناخته می‌شود. در غیر این صورت گواهی زمان تولد ملاک است.

گفتار پنجم: نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران

موضوع انسان‌های دوگانه و عمل جراحی تغییر جنسیت در ایران موضوعی جدید و در عین حال دارای فراز و نشیب‌های فراوانی است. تغییر جنسیت یکی از مقوله‌های مهم و بحث‌انگیز است که موجب پیدایش مسایل و سوالات جدید حقوقی شده است. بر همین اساس علی‌رغم تلاش‌های صورت گرفته در ایران، در بخش‌های علوم اجتماعی، روانشناسی و پزشکی، هیچ قانون مدون و مخصوصی در ارتباط به انسان‌های دوگانه و دوجنسی‌ها و موضوع تغییر جنسیت تدوین نشده است. البته ماده ۹۳۹ قانون مدنی ایران در خصوص ارث افراد دوجنسه (اینتر سکشوال‌ها) موضوعاتی را مطرح نموده است. اما با استناد به اصل ۱۶۷ قانون اساسی، هرچند قاضی موظف است کوشش کند حکم هر دعوی را در قوانین تدوین شده بیابد و اگر نیافت، با استناد به منابع معتبر اسلامی یافت اوای معتبر، حکم قضیه را صادر کند و نمی‌تواند بهانه سکوت یا نقصی اجمال قوانین مدونه از رسیدگی به دعوا و صدور حکم امتناع ورزد.

فقه امامیه از جمله منابع حقوق ایران محسوب می‌شود، بنابراین باید به دنبال پیدا کردن حقوق ترانس سکشوال‌ها در قواعد فقهی بود. همانگونه که در گفتار سوم به دیدگاه‌ها و تفاسیر علمای اسلامی از منابع فقهی پیرامون تغییر جنسیت اشاره شد، موضوع مهم مشروع و یا نامشروع بودن عمل تغییر جنسیت است. با توجه به سکوت قانون‌گذار و فقدان نص قانونی در حقوق ایران، آیا تغییر جنسیت بر مبنای اصول و قواعد حقوقی، امری مجاز و مشروع است یا امری نامشروع و ممنوع است؟

در منابع فقهی، اقلیت‌های جنسی با عنوان افراد خنثی شناخته شده و از دو گروه تشکیل شده و احکام آن‌ها در خصوص تغییر جنسیت نیز به شرح ذیل است^۱:

گروه اول: خنثای بدنی

۱. علی رضا، باریکلو، وضعیت تغییر جنسیت، اندیشه‌های حقوقی، شماره پنجم، زمستان ۱۳۸۲،

این گروه اینتر سکشوال‌ها یا همان دوجنسه‌ها هستند. خنثای بدنی یا فیزیکی به کسی اطلاق می‌شود که در بدن آن‌ها علایم جنسیتی هر دو جنس مذکر و مونث وجود دارد. ممکن است در این علایم یکی بر دیگری غلبه داشته باشد. در مورد این گروه شکی نیست که تغییر جنسیت مجاز است و شخص می‌تواند به تشخیص پزشک متخصص و با رعایت تمام استانداردهای پزشکی، خود را از این حالت نجات دهد و به یکی از دوجنسی که خلقت او مناسب و مشابهت بیشتری دارد ملحق سازد. صاحب نظرانی هم چون آیت الله موسوی خمینی معتقدند اگر در فرد خنثای بدنی علایم یکی از جنسیتها بر دیگری ظاهر و غالب باشد، بر شخص لازم است که از احکام جنسیت غالب پیروی نماید.

برخی از مذاهب ادیان مسیحیت و یهودیت که با تغییر جنسیت مخالفند، استثناء در خصوص این گروه موافقند. چون معتقدند که بایستی این افراد از بلا تکلیفی خارج شوند. در این حالت هر چند تغییر جنسیت امری مشروع است، ولی بر شخص لازم است از احکام جنسیتی پیروی نماید که به نظر پزشک متخصص با وضع او مناسب‌تر است.

گروه دوم: خنثای روانی

این گروه ترنس سکشوال‌ها یا همان انسان‌های دوگانه هستند. کسانی که از لحاظ جسمی و بدنی دارای علایم یکی از دوجنس مذکریا مونث می‌باشند ولی از لحاظ روانی تمایلات جنسی جنسیت مزبور را ندارند. بلکه تمایلات جنسی، جنس مخالف را دارا می‌باشند. پیرامون این گروه اختلاف نظر وجود دارد که برخی تغییر جنسیت را مطلقاً مشروع و برخی دیگر آن را مطلقاً نامشروع و نهایتاً برخی دیگر معتقدند که اگر عمل تغییر جنسیت باعث آرامش فرد گردیده و برای آن سودمند باشد تحت شرایطی مجاز خواهد بود. به عبارتی دیگر این گروه معتقد به مشروعیت مشروط هستند که مفصلاً استدلالات هر کدام از آن‌ها در گفتار سوم شرح داده شد. ولی موضوعی که در علم پزشکی ایران به عنوان تغییر جنسیت مشهور شده است، بر نظریه سوم منطبق‌تر است. بنابراین تغییر جنسیت خنثای بدنی یا اینتر سکشوال‌ها و خنثای روانی یا ترنس

سکشوال‌ها در ایران در صورتی که با رعایت تمام استانداردهای روز پزشکی بر حسب تشخیص متخصصین انجام شود، با قواعد و اصول حقوقی ایران منطبق و با نظم عمومی و اخلاق حسنه نیز مغایر نیست. اما با تمام این توضیحات این شرایط کافی نبوده و فقدان نص صریح قانون را توجیه نمی‌نماید.

تاثیر تغییر جنسیت بر ابعاد مختلف زندگی انسان‌های دوگانه^۱:

تاثیر تغییر جنسیت بر هویت انسان دوگانه طبق حقوق ایران:

موضوع مهم که در این باره قابل بحث است، مرجع شناسایی جنسیت و نام جدید است. از یک طرف به استناد اصل یکصد و پنجاه و نهم قانون اساسی، دادگستری مرجع عام تظلمات و شکایات است. از طرفی دیگر طبق بند چهار ماده سه قانون ثبت احوال هیاتی تحت عنوان هیات حل اختلاف در مقر اداره ثبت احوال وظیفه ابطال سند مکرر ویا موهوم و تصحیح اشتباه در ثبت جنسیت اشخاص را بر عهده دارد. باید دید که شخص تغییر جنسیت داده، باید به کدام یک از این دو مرجع مراجعه نماید ویا به تعبیر دیگر، کدام یک از این دو مرجع صلاحیت رسیدگی به تغییر نام و شناسایی جنسیت جدید شخص را دارند. ممکن است گفته شود چون دادگستری مرجع عام رسیدگی به تظلمات و خواسته‌هاست و هیات مذکور مرجع خاص رسیدگی به اختلافات ثبت احوالی است، در تعارض صلاحیت این دو مرجع، تقدم و ترجیح با صلاحیت هیات مذکور است زیرا صلاحیت عام دادگستری به وسیله ماده سه قانون ثبت احوال در مورد اختلافات ثبت احوالی محدود شده است. ولی این احتمال ضعیف است زیرا اولاً صلاحیت هیات مذکور نسبت به تمام موارد اختلافات ثبت احوالی مسلم نیست و آن چه از صلاحیت این هیات مسلم است، این است که صالح به رسیدگی اشتباهات کارمندان سازمان مذکور در ثبت احوال اشخاص است. مازاد بر این موارد، قوانین ایران

^۱ محمد مهدی، کریمی نیا، تغییر جنسیت از منظر فقهی و حقوقی، مجله‌ی معرفت، شماره‌ی ۳۶ صص

در این زمینه مبهم است.

تاثیر تغییر جنسیت بر ازدواج انسان‌های دوگانه:

چنان چه یکی از زوجین تغییر جنسیت دهد، در این حالت ازدواج باطل است. چون امکان بقای ازدواج وجود ندارد. ازدواج مرد با مرد یا زن با زن از نظر فقه شیعه و قانون مدنی مشروع نیست. قانون مدنی ایران در مواد ۱۱۲۲، ۱۰۶۷، ۱۰۵۹، ۱۰۳۵، و ۱۱۲۴ به لزوم اختلاف جنس در ازدواج اشاره دارد. اگر هر دو نفر یعنی زوج و زوجه به صورت غیر همزمان تغییر جنسیت دهند، در این حالت همانند مورد قبلی ازدواج باطل است چون مجوز شرعی برای ابقای ازدواج سابق وجود ندارد. حال اگر به صورت همزمان زوجین تغییر جنسیت بدهند، نظر آیت الله خمینی در کتاب تحریر الوسیله بر دو احتمال استوار است. احتمال اول این است که حقیقت ازدواج، زوجیت هر یک نسبت به دیگری است که به حالت خود باقی است، و تنها حالت و چگونگی آن در قبل و بعد از عمل جراحی تغییر کرده است. زوج قبلی زوجه شده و زوجه قبلی زوج شده است که در این وضعیت جدید حقیقت ازدواج یعنی زوجیت هر یک نسبت به دیگری هم چنان باقی بوده و نهایت آن که وظیفه هر یک متفاوت با سابق شده است. اما در احتمال دوم این است که ازدواج سابق دوام نداشته و در وضعیت جدید باطل شده است. وی احتمال دوم را به صورت احتیاط واجب می‌پذیرند ولی در نهایت احتمال اول را ترجیح می‌دهند. وی گفته است که اگر زوجین به صورت همزمان تغییر جنسیت دهند احتیاط واجب آن است که عقد ازدواج تجدید گردد.

تاثیر تغییر جنسیت بر مهریه:

مهریه یا صداق مالی است که زن بر اثر ازدواج مالک آن می‌گردد و مرد ملزم به پرداخت آن است. نهاد مهریه در حقوق ایران، مبتنی بر سنت و مذهب است و نظیر آن را در حقوق کشورهای غربی نمی‌توان یافت. حال اگر زنی تغییر جنسیت دهد آیا پرداخت مهریه توسط مرد منتفی است یا این که مرد ملزم به پرداخت آن است؟

پیرامون این موضوع چهار نظریه وجود دارد: اول این که پرداخت مهریه مطلقاً لازم نیست. چون که حقیقت ازدواج این است که مهریه به عنوان ثمن در مقابل کابین زن است و تغییر جنسیت موجب انفساخ این معاوضه است. نظریه‌ی دوم معتقد است که پرداخت کل مهریه لازم است. چه دخول صورت گرفته باشد یا صورت نگرفته باشد. دلیل این گروه می‌تواند این باشد که حقیقت مهریه یک امر اعتباری و فرع بر اصل و ذات ازدواج است و زوجه مالک کل مهریه است. آیت الله موسوی خمینی معتقد به این نظریه است. نظریه‌ی سوم این است پرداخت کل مهریه منوط به دخول است و الا نصف مهریه لازم است. دلیل این گروه وجود برخی اخبار و اقوال معتبر، فتاوی فقیهان اسلامی و نیز قانون مدنی ایران است که در تمام این موارد، وجوب کل مهریه را منوط به دخول می‌داند. نظریه‌ی چهارم بر این اعتقاد است که اگر عمل تغییر جنسیت از سوی زن و بدون اجازه شوهر باشد، هیچ چیز بر شوهر لازم نیست، چه در نتیجه ازدواج دخول شده باشد یا نشده باشد.

تغییر جنسیت و مساله ارث:

اگر پدر و یا مادرفرد تغییر جنس داده فوت کند، پسر فعلی دو برابر دختر فعلی ارث می‌برد. یعنی جنسیت فعلی فرزند ملاک خواهد بود. دلیل آن این است که از ظاهر دلایل شرعی این گونه بر می‌آید، اراده بر آن است که فرد به هنگام فوت مذکریا مونث باشد. قانون مدنی هم در ماده ۹۰۷ می‌گوید که اگر اولاد متعدد باشند و بعضی از آنها پسر و بعضی دختر، پسر دو برابر دختر می‌برد.

حال اگر فرزند از دنیا برود و یکی از والدین او یعنی پدر یا مادر او تغییر جنسیت داده باشد، دو احتمال وجود دارد: اولین احتمال این است که والدین تغییر جنس داده، اصلاً از فرزند خود ارث نمی‌برند و رابطه ارثیت به طور کامل قطع می‌گردد. این احتمال بعید است. چونکه تغییر جنسیت طبق ماده ۸۸۰ قانون مدنی ایران که متخذ از فقه امامیه است، از موانع ارث محسوب نمی‌شود. اما در احتمال دوم والدین تغییر جنس داده از فرزند خود ارث می‌برند. پیرامون این احتمال دو مبنا وجود دارد. مبنا‌ی اول ارث بردن

حقوق بشرانسان‌های دوگانه در جمهوری اسلامی ایران..... ۴۲

به لحاظ زمان تولید مثل است. مبنای دوم ارث بردن به لحاظ خویشاوندی و اولویت است. آیت الله موسوی خمینی می‌گوید در این مساله تردید وجود دارد و بهتر است که بگوییم ارث می‌برند و ارث آن‌ها بر مبنای انعقاد نطفه است. بنابراین، برای پدر و سوم و برای مادریک سوم می‌باشد و احتیاط مستحب آن است که با هم مصالحه نمایند.

تغییر جنسیت و دیه:

یکی دیگر از حقوقی که جنسیت در میزان آن اثر دارد، دیه است. در حقوق ایران، میزان دیه اشخاص تا ثلث با هم مساوی است و مازاد بر ثلث، دیه مذکر دو برابر مونث است. در نتیجه باید دید که دیه شخص تغییر جنسیت داده بر مبنای جنسیت چه زمانی محاسبه می‌شود. در این مورد میزان دیه شخص بر مبنای جنسیت جدید محاسبه می‌شود، زیرا عرفاً شخص به جنسیتی ملحق است که در زمان مطالبه دیه با تایید متخصصین خود را به آن ملحق کرده است. بنابراین، ملاک دریافت دیه جنسیت زمان مطالبه خواهان است و اگر خواهان از زمان وقوع حادثه تا زمان مطالبه دیه با رعایت تمام استانداردهای پزشکی و با تایید متخصصین تغییر جنسیت دهد، دیه او بر مبنای جنسیت زمان مطالبه محاسبه می‌شود. اگر مصدوم فوت کرده و وراثت او خواهان دیه هستند، دیه بر مبنای جنسیت زمان مرگ میت مصدوم محاسبه می‌شود.

خلاصه‌ای از فرآیند تغییر جنسیت در ایران:

تا قبل از انقلاب اسلامی ۱۳۵۷، تغییر جنسیت در ایران هیچ‌گاه به طور رسمی از سوی حکومت مورد توجه قرار نگرفته بود. در اواسط دهه ۱۳۶۰، دولت حقوق افراد خواهان تغییر جنسیت را در نتیجه فتوای آیت الله موسوی خمینی رهبر وقت جمهوری اسلامی ایران به رسمیت شناخت و جراحی را به این منظور مجاز اعلام کرد. از سال ۱۳۸۷، در ایران بیش از هر کشور دیگری (بجز تایلند) جراحی‌های مربوط به تغییر جنسیت انجام شده است. دولت تا نیمی از هزینه مورد نیاز برای عمل جراحی را می‌پردازد و تغییر جنسیت در شناسنامه ثبت می‌شود.

اولین جراحی تغییر جنسیت در ایران وقتی انجام شد که فریدون ملک آرا بعد از چندین مرحله پیگیری توانست مجوز این جراحی را از آیت الله موسوی خمینی رهبر وقت جمهوری اسلامی ایران دریافت کند. وی متعاقب عمل جراحی تغییر جنسیت نام خود را مریم خاتون ملک آرا نهاد.

ایران یکی از کشورهایی است که بیشترین آمار جراحی تغییر جنسیت را داراست. این مطلب به این معنی نیست که در ایران تعداد بیشتری از این افراد وجود دارند بلکه بیان گرایین مطلب است که در ایران این نوع جراحی بیشتر پذیرفته شده است.

در این امر عوامل متعدد اجتماعی و فرهنگی دخیل‌اند مثل این که در خیلی از کشورها افرادی که این مشکل را دارند تقریباً به روال عادی زندگی خود ادامه می‌دهند و مشکل خاصی هم پیدا نمی‌کنند و حتی در خیلی از این کشورها ازدواج با هم جنس هم خیلی مورد نقد قرار نمی‌گیرد. بنابراین، نیازی به جراحی تغییر جنسیت احساس نمی‌شود. اما در ایران مسایل مذهبی، فرهنگی و ناآگاهی‌های اجتماعی، این افراد را علاوه بر اختلال جنسیتی که دارند، با مشکلاتی مضاعف درگیر می‌کند.^۱ این افراد در پزشکی قانونی تهران و با همکاری، حمایت مالی و معنوی سازمان بهزیستی کشور مطابق مقیاس‌های هری بنجامین که قبلاً به آن اشاره شد بنابه به تشخیص، تحت نظر پزشکان روانشناس و روانپزشک مورد روانکاوی قرار گرفته و در صورتی که ایشان در گروه حالت‌های پنجم و ششم مقیاس موسسه ملال جنسی هری بنجامین قرار گرفتند، مجوزهای قانونی از مراجع ذیصلاح دریافت و نهایتاً عمل جراحی بر روی آن‌ها انجام خواهد شد.

این افراد مجموعاً در پزشکی قانونی تهران ۵ مرحله ذیل را بایستی طی نمایند:
۱- تشخیص اختلال: این مرحله از طریق مصاحبه‌ی روانپزشکی همراه با انواع تست‌ها صورت می‌پذیرد.

^۱. تغییر جنسیت در ایران، ویکی پدیا، (۳۰ اردیبهشت ۱۳۹۲ برابر با ۲۰ می ۲۰۱۳)

۲- گذراندن دوره‌های روان درمانی: در این دوره فرد، خانواده و نهادهایی که با فرد در ارتباط هستند، به طور دقیق زیر نظر روانپزشک متخصص قرار می‌گیرند. با انجام این روند علاوه بر واجد شرایط بودن برای عمل که توسط روانپزشک سنجیده می‌شود، آمادگی برای عمل تغییر جنسیت که شامل ارزیابی میزان توانایی فرد در مقابله با مشکلات، عملکرد مناسب وی در قالب نقش جنس مقابل است نیز توسط روان شناس مجرب مورد سنجش قرار می‌گیرد.

۳- بررسی‌های هورمونی: با گذر از مرحله دوم آزمایشات هورمونی توسط متخصصین بر روی آن صورت می‌پذیرد.

۴- زندگی در نقش مقابل: فرد برای مدتی و تحت نظر پزشک متخصص زندگی در نقش جنسیت مقابل را تجربه می‌نماید.

۵- انجام عمل جراحی تغییر جنسیت توسط جراح متخصص

مطالعاتی که بر روی پرونده‌های متقاضیان تغییر جنسیت از سال ۱۳۸۳ تا ۱۳۸۷ هجری شمسی (۲۰۰۴ تا ۲۰۰۸ میلادی) در پزشکی قانونی ایران صورت گرفته است، تنها ۲۷/۱۳٪ از پرونده‌های متقاضیان عمل جراحی تغییر جنسیت، با ملاک‌های درمانی هری بنجامین و سایر ملاک‌های دنیا تطابق کامل دارند^۱.

در نهایت این که فتوای آیت الله موسوی خمینی در خصوص مجاز بودن تغییر جنسیت در ایران، نقطه عطفی در راه تحقق حقوق انسان‌های دوگانه به شمار می‌رود. از آن پس بود که توجه نهادها و سازمان‌های دولتی ایرانی به این موضوع بیشتر جلب گردیده و اقداماتی صورت گرفت تا بتوانند از آلام این گروه بشری هر چه می‌توانند بکاهند. در حوزه مطالعات و تحقیقات در این زمینه نیز اقدامات جدی صورت گرفته است. تا کنون در ایران مقالات متعددی در حوزه‌های مختلف اجتماعی، پزشکی و مبانی

^۱ سید مهدی، صابری و همکاران، بررسی مقایسه‌ای روند ارجاع متقاضیان عمل جراحی تغییر جنسیت به کمیسیون پزشکی قانونی تهران با توجه به استانداردهای بین‌المللی، مجله علمی پزشکی قانونی، دوره ۱۶، شماره ۳، پاییز ۱۳۸۹، صص ۲۰۵-۲۱۳

فقهی و حقوقی منتشر گردیده است. آخرین اقدام جدی که در ایران صورت پذیرفت برگزاری همایش میان رشته‌ای انسان‌های دوگانه به ابتکار دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی تهران در آذرماه ۱۳۹۰ بود که در این همایش موضوعات متعددی در خصوص انسان‌های دوگانه در قالب مقالات و سخنرانی‌ها ارائه گردید. آن چه که بیش از هر چیز مهم جلوه می‌نماید، این است که تمامی این اقدامات از جمله مطالعاتی که در حوزه نظرات فقهی صورت گرفته است و حتی در برخی از موضوعات مبتلا به انسان‌های دوگانه اختلاف نظرهای جدی نیز موجود است، نتوانسته در حوزه حقوق داخلی ایران و در چارچوب قوانین مدون کشور نمود خاصی داشته باشد. به نظر می‌رسد قوه مقننه با همکاری سایر قوا ضمن انجام مطالعات گسترده کارشناسی بایستی نسبت به تدوین قوانین مربوطه اقدام نمایند تا در ذیل این قوانین حقوق و تکالیف انسان‌های دوگانه کاملاً مشخص گردد.

نتیجه گیری:

۱- آن چه که مسلم است جمهوری اسلامی ایران در فاصله زمانی پس از فتوای تاریخی آیت الله موسوی خمینی رهبر فقید وقت ایران در دهه ۶۰ خورشیدی تا کنون قدم‌های مثبت و موثری را در جهت احراز جایگاه واقعی و حقوقی انسان‌های دوگانه برداشته است. هرچند با توجه مدت زمان کمی که از عمر جمهوری اسلامی ایران می‌گذرد و به لحاظ نظری و بر مبنای فقه امامیه تا کنون به برخی از ابعاد حقوق بشری انسان‌های دوگانه توجه جدی شده و در نتیجه آن نهادهای مربوطه ملی تسهیلات قابل توجه و اقدامات موثری را به منظور احقاق حقوق انسان‌های دوگانه در نظر گرفته و به مورد اجرا گذارده‌اند، اما تبدیل مبانی و نظرات فقهی موجود به قوانین مدون در سطح ملی و توجه همه جانبه به تمامی ابعاد زندگی انسان‌های دوگانه در قانون کاملاً ضروری به نظر می‌رسد. تا از این رهگذر این افراد

حقوق بشر انسان‌های دوگانه در جمهوری اسلامی ایران..... ۴۶

مورد شناسایی رسمی قرار گرفته و بتواند حقوق ذاتی خود را ذیل این قانون پیگیری نمایند.

۲- جمهوری اسلامی ایران هم چنین خواهد توانست تا در عرصه تعاملات منطقه‌ای و بین‌المللی از تجربیات و ظرفیت‌های موجود در این زمینه بهره‌گیری لازم را نموده تا در گذر زمان به طور فراگیر حقوق بشر انسان‌های دوگانه در سرتاسر جهان محقق گردد. از جمله اقداماتی که می‌توان در عرصه بین‌المللی مورد پیگیری قرار داد، تدوین و تصویب کنوانسیون بین‌المللی حمایت از انسان‌های دوگانه است. تا در سایه این کنوانسیون جهانی کلیه ترنس سکشوال‌ها حقوق خود را پیگیری نموده و دولت‌ها و سازمان بین‌المللی حقوق بشری نیز در چارچوب تعهدات خود در قبال این کنوانسیون، حقوق این افراد را محقق نمایند. هر چند هم اکنون این مهم مراحل ابتدایی خود را می‌گذرانند، اما کشورها در ابعاد منطقه‌ای می‌توانند ابتدا با تبادل اطلاعات و تجربیات به همسان‌سازی قوانین داخلی خود مبادرت ورزیده و در هر زمان ابعاد آن را گسترده‌تر نمایند تا در نهایت هدف نهایی که یک هدف جهانی است، جنبه عملی یابد.

منابع انگلیسی:

۱. A Discussion of These Legislative Attempts, From ۱۹۷۵ to ۲۰۰۷, can be found in The Report on H.R. ۳۶۸۵, Employment Non- Discrimination Act of ۲۰۰۷, ۱۱th Cong, ۱St Sess,(October ۱۸, ۲۰۰۷), The First Committee Hearing to be Held on a Bill to Prohibit Sexual Orientation Discrimination Was in ۱۹۹۴,and in ۱۹۹۶, the First Floor Vote on Such a Bill Resulted in its Rejection by a Vote of ۵۰-۴۹ in the Senate.(۰۸/۰۵/۱۳)
۲. Benjamin Harry, Wikipedia
۳. Benjamin, H. (۱۹۶۶). The transsexual phenomenon. New York: Julian Press, page ۲۳
۴. Category A Retirement Pension of GRA
۵. Consequences of Issue of Gender Recognition Certificate Etc
۶. Dobre V. National Railroad Passenger Corp, ۸۵۰F. pp۲۸۴-۲۸۷(۰۸/۰۵/۱۳)
۷. Employment Non- Discrimination Act of ۲۰۰۷, H.R. ۳۶۸۵, ۱۱۰th, Cong, ۲nd Sess, ۲۰۰۸, Bill Tracking H.R. ۳۶۸۵, ۱۱۰ Bill Tracking H.R. ۳۶۸۵. The Bill Was Introduced in the House of representatives on September ۲۷, ۲۰۰۷, reported out of Committee on October ۲۲, ۲۰۰۷, and Passed the House on November ۷, ۲۰۰۷. (۰۸/۰۵/۱۳)

۸. Federal Constitutional Court
۹. Finnis, John, "Law, Morality, and "Sexual Orientation", Lanham-New York- London, Roman and Littlefield ۱۹۹۷, pp. ۳۱-۴۳
۱۰. Gender Recognition Act (۲۰۰۴)
۱۱. <http://daccess-dds-ny.un.org/doc/UNDOC/LTD/G11/141/94/PDF/G1114194.pdf?OpenElement>, (Apr ۲۲, ۲۰۱۳)
۱۲. <http://www.iglhrc.org/binary-data/ATTACHMENT/file/000/000/213-1.pdf> (۲۰/۰۴/۱۳)
۱۳. http://www.rfsl.se/public/yogyakarta_principles.pdf, (۲۰/۰۴/۱۳)
۱۴. [http://www.unhehr.ch/huridocda/huridoca.nsf\(symbol\)/a.c onf.157.23.en](http://www.unhehr.ch/huridocda/huridoca.nsf(symbol)/a.c onf.157.23.en), (Apr ۲۲, ۲۰۱۳)
۱۵. Johann Hari, At Last the UN Recognises the Need for Gay Rights, The Independent ۱۷, (Apr ۲۲, ۲۰۱۳)
۱۶. Leo Cohen, Psychological Functioning of Adolescent Transsexuals: ۱۷. Minnesota State Anti-Discrimination Statute, (۱۱/۰۵/۱۳)
۱۸. Nuremberg Laws
۱۹. Personality and Psychopathology, Journal of Clinical Psychology, February ۱۹۹۷, pp ۱۸۷-۱۹۶ (۳۰/۰۴/۱۳)
۲۰. Publication ۵۰۲ (۲۰۰۸), Medical and Dental Expenses, Internal Revenue Service ۲۰۰۹.
۲۱. Text of Judes Decision in Geovann, Hernandez-Montiel v. Immigration and Naturalization Service Via UNHCR ref World. (۰۸/۰۵/۱۳)
۲۲. The Employment Equality (Sex Discrimination) Regulations ۲۰۰۵
۲۳. Transsexual Law (TSG), Transsexuellengesetz, ۱۹۸۰
۲۴. UK Civil Partnership Act (۲۰۰۴)

حقوق بشر انسان‌های دوگانه در جمهوری اسلامی ایران..... ۴۹

۱. باریکلو، علی رضا، آثار حقوقی تغییر جنسیت، فصلنامه مدرس علوم انسانی، دوره ۸ شماره ۳، پاییز ۱۳۸۳، صص ۱۰۸-۱۰۹
۲. باریکلو، علی رضا، وضعیت تغییر جنسیت، اندیشه‌های حقوقی، شماره پنجم، زمستان ۱۳۸۲، صص ۶۳-۸۶
۳. تغییر جنسیت در ایران، ویکی پدیا، (۳۰ اردیبهشت ۱۳۹۲ برابر با ۲۰ می ۲۰۱۳)
۴. صابری، سید مهدی و همکاران، بررسی مقایسه‌ای روند ارجاع متقاضیان عمل جراحی تغییر جنسیت به کمیسیون پزشکی قانونی تهران با توجه به استانداردهای بین‌المللی، مجله علمی پزشکی قانونی، دوره ۱۶، شماره ۳، پاییز ۱۳۸۹، صص ۲۰۵-۲۱۳
۵. قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران، ماده ۲۱۵
۶. کریمی‌نیا، محمد مهدی، تغییر جنسیت از منظر فقهی و حقوقی، مجله معرفت، شماره ۳۶ صص ۷۶-۸۱
۷. گنجی، محمد علی (کد پژوهشی) S.۹۱، اختلالات جنسی، اداره کل آموزش و پژوهش، معاونت سیاسی وزارت کشور، ۸۷/۰۴/۰۳ برابر با ۲۴/۰۶/۰۸/۲۰۰۸ میلادی
۸. موسوی بجنوردی، سید محمد، بررسی فقهی حقوقی در خصوص تغییر جنسیت با رویکردی بر نظر حضرت امام خمینی (س)، پژوهشنامه متین، شماره ۳۶، صص ۲۱-۲۷

